
پرشکوه ترین مراسم
عبادت و قربانی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی

نویسنده:

عبد الکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : بی‌آزار شیرازی عبدالکریم - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور : پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی مطابق با فتاوای فقیه اهل بیت آیه العظمی ناصر مکارم شیرازی نگارش عبدالکریم بی‌آزار شیرازی مشخصات نشر : قم مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب ع ، ۱۳۷۹. مشخصات ظاهری : ۱۴۸ ص مصور (رنگی ، نقشه (رنگی شابک : ۹۶۴-۶۶۳۲-۶۰-۲۶۰۰۰ریال یادداشت : پشت جلد به‌انگلیسی The most glorious rite of worship and sacrifice. یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس موضوع : حج موضوع : حج -- قربانی شناسه افزوده : مکارم شیرازی ناصر، . - ۱۳۰۵ رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ب۹۲پ۴ ۱۳۷۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷ شماره کتابشناسی ملی : م۷۹-۱۲۰۹۱

[اهداء]

مراسم حج در حقیقت یک دوره کامل از صحنه‌های مبارزات ابراهیم و منزلگاههای توحید و بندگی و فداکاری و اخلاص را در خاطره‌ها مجسم می‌سازد. اگر مسلمانان به هنگام انجام این مناسک به روح و اسرار آن واقف باشند و به جنبه‌های مختلف «سمبولیک» آن بیندیشند، یک کلاس بزرگ تربیتی و یک دوره کامل خداشناسی و پیامبرشناسی و انسان‌شناسی است. آیـۀالله العظمی مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۵۴۰

مقدمه

«وَ اَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا اِنَّکَ اَنْتَ التَّوابُ الرَّحیم «۱»؛ پروردگارا! مناسک ما را به ما ارائه فرما و توبه و بازگشت ما را بپذیر که تو توبه‌پذیر و مهربانی.» مَناسِک، جمع مَنْسَک اسم زمان و مکان، نُسک به معنای عبادت است، عبادتی همردیف نماز که مایه قرب انسان به خدا است: «قُل اِنَّ صَلَاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیایَ وَ مَماتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ «۲»؛ بگو: نماز و عبادتم و زندگیم و مرگم برای خدای رب العالمین است.» قرآن قربانگاه را که محل قرب به خدا بوسیله ذبح، و خوردن از روزی خدا و اعطاء به فقرا و میهمانان خداست، منسک نامیده است: «وَ لِکُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً لِیَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعام «۳». و برای هر امّتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را بر چهارپایانی که قربانی می‌کنند یاد کنند.» و مناسک به معنای پایگاههای عبادتی است که مراسم حج در آنجا انجام می‌شود، و به خود اعمال حج نیز مناسک گفته می‌شود «۴»: «فَاِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ «۵»؛ وقتی اعمال حج خود را به بجا آوردید» همچنانکه مفرد آن مَنْسَک، در خصوص عمل قربانی به کار رفته است هرچند که مفهوم آن عام است: وَ لِکُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً «۶» و یا واژه نُسُک با اینکه به معنای مطلق پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸ عبادت است، آنرا در خصوص قربانی معنی کرده‌اند: «فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً او بِهِ أَذًی مِنْ رَأسِهِ فَفِدْیَةٌ مِنْ صِیام اوْ صَدَقَةٍ اوْ نُسُکٍ «۱»؛ کسی که از شما (حجاج) بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد (و مجبور شود در حالت احرام سر بتراشد) باید با روزه یا صدقه یا قربانی، فدیه دهد.» از مجموع آیات مربوط به حج می‌توان دریافت که گرچه تمامی اعمال حج وسیله تقرب به خداست امّا در میان آنها ذبح کردن چهارپایان با نام خدا و تناول از این روزی خداداد با نام و یاد خدا و اطعام به فقرا و میهمانان خدای مهربان بیت القصید حج بوده مهمترین وسیله قرب به خداست و از این رو به آن قربانی گفته می‌شود. متأسفانه در عصر ما در اثر دوری از مفاهیم قرآن، و کثرت تعداد حاجیان و محدودیتهای فراوان، مهمترین عمل حج یعنی قربانی از محل خود خارج شده، بیشتر گوشتهای قربانی نه تنها

به مصرف صحیح و شرعی خود نمی‌رسد بلکه به صورت زباله، در زمین دفن و یا سوزانده می‌شود. و مانند گذشته قربانی همچون ذبح اسماعیل وسیله قرب به خدا، و نزدیک شدن بندگان با یکدیگر و سهیم شدن فقراء در طعام و شادیهای اغنیاء، نیست. از سویی دیگر آیات مناسک قرآن با آن همه محتوای بیکران، کمتر مورد توجه قرار می گیرد و اغلب به کتابهای مناسک حج- که مجموعه‌هایی از احکام ظاهری حج و پاسخگوئی به مشکلات، سئوالات و استفتائات حجاج در شرایط زمان و مکان آنهاست بسنده می کنند. آیات مناسک قرآن بیانگر روح احکام و حکمت و محتوای حج است که آنچنان با زمینه‌های تاریخی آن همراه شده که به تعبیر آیةالله العظمی مکارم، ناگهان چرخ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹ زمان را به عقب برمی گرداند، و پرده‌ها را کنار می‌زند و حجاج را وارد صحنه نمایش حج می کند، به طوری که حاجی خود را در آن لحظه در کنار آدم و حوا، ابراهیم علیه السلام و هاجر و اسماعیل علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌بیند و با آنها در سعی و تلاش همگام می‌شود و در می‌یابد که در راه خدا بی‌سعی و تلاش به جایی نمی‌رسد. «۱» زائر با احرام در میقات در کنار پیامبر وارد حریم بهشت الهی می‌شود، و در صحرای عرفات در کنار آدم و حوا به سوی خدا توبه و بازگشت می کند و در غروب عرفات و شب مشعر و صبح وادی محسّر در کنار ابراهیم، طلوع و غروب خورشید و ماه ستارگان را تماشا می کند و به خدایی که هرگز افول و غروب ندارد روی می‌آورد و در مِنی همراه با ابراهیم خلیل، شیطان را رَمْی می کند و از خود دور می‌سازد، و با تسلیم مال و جان و سایر متعلقات در قربانگاه به مرحله قرب به خدا می‌رسد و آنگاه است که همچون خاندان ابراهیم علیه السلام از خداوند عیدیهای گوناگون دریافت می‌دارد. هدف از نگارش این جزوه: این جزوه با این هدف نگارش یافته تا با آیات مناسک حج بیشتر آشنا شویم و با رهنمود فقها و مراجع عظام راه حلی برای مشکل قربانی که متأسفانه در عصر ما از خط خود خارج گشته بیابیم. در این کتاب از کتب تفسیری و مناسک مراجع عظام بخصوص از تفسیر نمونه و مناسک و «حکم الاضحیه فی عصرنا» آیةالله العظمی مکارم شیرازی استفاده فراوان کرده‌ایم و دلائل معظم‌له را در مورد راه حل مسئله قربانی به تفصیل بیان داشته‌ایم. لازم به ذکر است که هدف از نگارش این کتاب رقابت یا مقابله با نظر سایر مراجع پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰ عظام در مسئله قربانی نیست بلکه این اجتهاد مرجعی است که در شرائط کنونی مؤدی به فتوای جدید شده است. و آیةالله العظمی مکارم همواره به شاگردان خود توصیه می کنند که مبادا شطر کلمه‌ای بی‌احترامی به نظر سایر مجتهدین شود که میان ما و آنان رفاقت است نه رقابت. در بخش اول نگاهی به تاریخچه مکه و مراسم حج خواهیم داشت. و در بخش دوم مسئله استطاعت و گستره آن و در بخش سوم مناسک عمره و در بخش چهارم مناسک حج و در بخش پنجم منسک یا مراسم قربانی و راه حل فقها و فتوای جدید آیةالله العظمی مکارم شیرازی بیان خواهد شد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱

بخش ۱: تاریخچه مکّه و مراسم حج

اشاره

نخستین خانه مردم راز قرار گرفتن خانه خدا در بیابان راز اسکان ذریّه ابراهیم علیه السلام در مکّه تجدید بنای خانه خدا توسّط ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام مقام ابراهیم درخواست مناسک حج املاء و اعلان دعوت الهی برای حج

۱- خانه خدا و مردم

انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبارَکاً «۱» الف: خانه خدا در آیه فوق به خانه خدا، (بیت الله) خانه مردم و خانه بکّه گفته شده تا نشان دهد که خداوند نیازی به جا و مکان و خانه و کاشانه ندارد (انَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمینَ) و معمولًا در مسائل اجتماعی آنچه به

نام خـدا و برای خـدا است، در حقیقت در خـدمت مردم و بنـدگان خدا است، و هر خدمتی در راه مردم و بندگان خدا انجام گیرد، برای خـدا محسوب می‌گردد بطـوری که می‌توان کلمه «النـاس» را در این نوع آیـات خلیفه و جانشـین خـدا، قرار داد بعنوان نمونه: اقْرِضُوا اللَّه قَرْضاً حَسَنا؛ «به الله (یا مردم) قرض الحسـنه بدهید» ب: خانه مردم آری این خانه، خانه مردم است چه تمام انسانها، از هر نژاد و رنگ و زبان، زن و مرد سیاه و سـفید را در سایه ایمان و اسـلام به صورت یک خانواده در کنار هم متحـد می‌گردانـد و همه همچون اعضاء یک خانه در امن و آسایش و صـلح و صـفا به سـر می‌برنـد. ج: خانه بکه و اینکه در آیه فوق به خانه خـدا بکّه گفته شـده شایـد بـدین جهت است که بکّه از مـاده بَکَ به معنای ازدحام و اجتماع است، و چون این خانه محل اجتماع مردم است، آنرا بکّه نامیده‌اند. «۲» معنای دیگر «بک» از بین بردن غرور و نخوت است، و چون در این خانه بزرگ همه تبعیضـها کنار می‌رود و همه دور از غرور و نخوت با هم برادر و اعضاء یک خانواده می‌شوند، به آن بکّه گفته‌اند. «۳» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۴ انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکـاً وَ هُـدَیً لِلْعـالَمینَ فیهِ آیـاتٌ بَیِّنـاتٌ مَقـامُ ابْراهیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کـانَ آمِنـاً «۱» ۱- اولین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شـده، همان خانه بکه است که: ۲- دارای خیر و برکت بسـیار و مایه هدایت جهانیان است ۳- در آن خـانه آیات پروردگار آشـکار است. ۴- مقـام ابراهیم است. ۵- هر کس که در آنجـا داخـل شـود ایمن شود. پرشـکوه‌ترین مراسـم عبـادت و قربانی، ص: ۱۵ د: خـانه برکت (مبارکـاً) خـانه خـدا، هم از نظر مـادی و هم از نظر معنوی خانه‌ای است پربرکت، از جمله برکات معنوی آن: ۱- کانون وحدت و همبستگی ۲- کانون ایمان ۳- جذبه‌های الهی و از جمله برکات مادی آن ۱- با اینکه از نظر جغرافیائی این شهر در بیابان بی‌آب و علفی است انواع نعمات و برکات و وسائل زندگی در آن مهیّا و شهری آباد بوده و هست. ۲- مرکزی است که مسـلمانان کشورهای مختلف اسـلامی پس از فراغت از عبادات می‌تواننـد کالاها و صـنایع خود را بیکدیگر عرضـه کننـد و به تقویت امور اقتصـادی و بازرگانی خود بپردازنـد. (لِیَشْـهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ) «۱» ه: خانه هـدی (هـدی للعالمین) خانه خدا مایه هـدایت و ارشـاد جهانیـان بوده و همواره مبلغین و رهـبران در این مرکز به تبلیغ و راهنمـائی زائران پرداخته و زائران که هر کـدام از مملکتی هسـتند، به هنگام بازگشت پیام حج و آموخته‌های خود را در ضـمن دیدار با فامیل و دوسـتان به کسانی که در مکه حضور نداشـتند می‌رساننـد. همچنین مسـلمانان گذشـته از برنامه‌های سازنـده ماننـد نماز وحـدت و دسـته‌جمعی و تلاوت قرآن با ملاقات و دیدار با سایر مسـلمانان با هم به تبادل نظر و افکار می‌پردازند، و در رشد فرهنگی و عقل اجتماعی آنان بسیار مفید و سودمند است. و: خانه آیات (فیه آیات) در این خانه آیات و نشانه‌های بسیاری است از ایمان به خدا، پرستش خدای پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۶ یکتا و بازتابی از توحیـد و یگانگی خدا در خلق، و پیدایش آب زمزم در اثر توکّل به خدا توأم با سـعی و تلاش. ز: خانه ابراهیم علیه السـلام (مقام ابراهیم) در این خانه نیز نشانه‌هایی از پیغمبر بزرگ حضـرت ابراهیم علیه السـلام است، جای پای آن حضـرت، محلی که برای بنای این خانه ایسـتاده و سنگ بنیان توحید را بنا نهاده. ح: خانه هاجر و اسماعیل (حجر اسماعیل) در کنار خـانه خـدا خـانه هـاجر و فرزنـدش اسـماعیل است که با ایمانی کامل به خـدا توکّل جسـتند، و آن همه سـختیها و رنجها و دوری از شوهر، پـدر و وطن را تحمّل کردنـد و جوار خانه خـدا را برگزیدنـد، و در نتیجه خداوند آنچنان به آنان مقام داد که خانه آنها را به خانه خود پیوست. ط: خانه أمن (و من دَخَله کان آمناً) خداوند به درخواست حضرت ابراهیم این خانه و به برکت آن، سرزمین مکه را شـهر امن و امان قرار داد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذا الْبَلَدَ آمِنًا» «۱» این شـهر و این خانه، مایه آرامش و امنیت و صلح بوده هرگونه جنگ و جدال در آن ممنوع است، تا جائیکه حتی حیوانات، و گیاهان از هرگونه تعرض در امان هستند. ی: خانه کهن (بیت عتیق) در سوره حج: ۲۱، این خـانه، خـانه عتیق نامیـده شـده چه از زمـان حضـرت آدم علیه السـلام تا کنون محل اجتماع انسانها بوده و آینـدگان با مشاهده آثار و جای پای پیامبران و پیشینیان، خود را با آنان همگام، و در یک مسیر می‌بینند و با همه انسانها در طول تاریخ احساس همبستگی می‌کنند.

۲- راز قرار گرفتن خانه خدا در بیابان

«يا ايُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّه .... «۱»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید: خداوند شما را [در مراسم حج مورد آزمایش قرار می‌دهد.» امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: آیا نمی‌بینید که خدای سبحان پیشینیان را از زمان آدم علیه السلام تا آخرین نفر از مردم این جهان، به سنگهایی آزمود که نه زیان دارد و نه سود. نه می‌بیند و نه می‌شنود، و آنرا بیت‌الحرام قرار داد. خانه‌ای که آنرا برای قیام و قوام مردم بپاداشت (الَّذی جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِیامَاً) و آنرا در دشوارترین و سخت‌ترین سنگلاخ بقعه زمین و کم‌ارتفاع‌ترین نقطه دنیا از نظر عرض و در تنگ‌ترین وادیها قرار داد، در میان کوههای خشن و ریگهای ریز و روان و چشمه‌های کم‌آب و قریه‌های دور از هم که در آنها نه گاو و گوسفند رشد می‌گیرند و نه اسب و مادیان. سپس به آدم و فرزندانش فرمان داد که به آن سوی روی آورند ... تا در معرض آزمایش بزرگ درآیند و خدا آن را بیت رحمت خویش و وسیله رفتن آنان به بهشت خود گرداند. اگر خداوند اراده می‌فرمود: که بیت‌الحرام خود را در میان باغها و نهرها و زمینهای هموارو درختان پرمیوه و بناهای پیوسته، بین گندمهای طلایی رنگ و راههای آباد قرار دهد، ارزش جزا را، بر حسب کوچکی آزمایش بلا ناچیز می‌گردانید، اما خداوند بندگانش را با انواع سختیها می‌آزماید و با مجاهدتهای گوناگون از آنان بندگی می‌خواهد و آنان را به رویدادهای ناخوش و بسیار مبتلا می‌فرماید تا کبر و خودستایی از دلهایشان بیرون رود و فروتنی در جانشان جایگزین گردد و تا این آزمایشها، درهای گشاده به سوی فضل و احسان الهی ایجاد کند و سببهای آسان برای بخشایش او فراهم آورد». «۲»

۳- راز اسکان ذریّه ابراهیم علیه السلام در مکه

«رَبَّنا انّی اسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرَ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمحَرَّم رَبَّنا لِیُقیمُوا الصَّلاةَ «۱»؛ پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در وادی و صحرای خالی از آب و گیاه در کنار خانه گرامی تو سکونت دادم تا نماز را برپا دارند.» حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام از سرزمین متمدن و سرسبز و پررفاه اور و بابل به مکه مهاجرت می‌کند و ذریه خود را به چنین بیابان خشك و لم‌یزرع می‌آورد و در کنار پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۹ خانه خدا اسکان می‌دهد تا نماز را بپا دارند و با خدا ارتباط برقرار سازند. باشد که خداوند بدین وسیله امید ساکنان صحرا و اهل حرم را از غیر خود قطع کند و در نتیجه توکّل و اتّکایشان تنها به خدا باشد. تا اهل دنیا و شرك و طاغوت در این سرزمین پای نگیرند و مکه همواره از لوث وجود آنان پاك باشد: «وِ اذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهیمَ مَکانَ الْبَیْتِ انْ لا تُشْرِکَ بِیْ شَیْئاً» «۱» تا تجّار، تجارت را هدف و مقصد اساسی خود قرار ندهند و هدفشان نماز و بندگی و خدمت به زائران خانه خدا باشد: «وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْقائِمِیْنَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ» «۲» تا استعمارگران و کشورگشایان به طمع ثروتها و ذخائرش آنرا مورد حمله و تاخت و تاز نسازند: «وَ اذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ امْناً «۳»؛ خانه کعبه را محل مراجعه مردم و پناهگاه امنی برای آنان قرار دادیم» تا شرافت و افتخار فقر و قناعت آشکار شود، که خداوند خود خانه‌اش را در فقیرترین منطقه دنیا قرار داده و قناعت‌پیشگان هم در دنیا از خانه امن برخوردارند و هم در آخرت: آنکه را خیمه به صحرای قناعت زده‌اند گر جهان زلزله خیزد غم ویرانی نیست تا انسانها دریابند که خداوند کعبه معرفتش را در قلب انسانهایی قرار می‌دهد که عاری از زرق و برق و خالی از محبت دنیا باشد. «۱»

۴- تجدید بنای خانه خدا توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

«وَ اذْ یَرْفَعُ ابْراهیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ اسْماعیلُ ... «۱» و به یاد آر آنگاه که ابراهیم پایه‌های خانه خدا را بالا می‌برد و اسمعیل نیز ...» حضرت ابراهیم علیه السلام در سومین سفر خود به مکه اسماعیل را در کنار زمزم دید، او را در آغوش گرفت و مورد مهر و محبت قرار داد و آنگاه به او گفت: - ای اسماعیل: خداوند به من مأموریتی داده است. - اسماعیل گفت: چه مأموریتی؟ - آیا تو در این

مأموریت به من کمک می کنی؟ - آری حتماً شما را یاری می‌دهم. - خداوند مکان خانه‌اش را جایگاهی برای من قرار داده و به من امر فرموده که خانه‌اش را تجدید بنا کنم و آنرا از آلودگیهای شرک و بت‌پرستی پاک و برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و رکوع روندگان و سجود برندگان پاکیزه گردانم: وَ اذْ بَوَّأنا لِابْراهیمَ مَکانَ الْبَیْتِ انْ لا تُشْرِکْ بی شَیْئاً وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطّائِفینَ وَ الْقائِمینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ. «۲» آنگاه با هم بپا خاستند و شروع به پایه‌گذاری خانه خدا کردند. اسماعیل علیه السلام سنگها را از گوشه و کنار می‌آورد و حضرت ابراهیم آنها را کار می گذاشت «۳».

۵- مقام ابراهیم علیه السلام

«فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ ابْراهیمَ ... «۱»؛ در آن خانه آیات آشکار پروردگار، مقام و پایگاه ابراهیم قرار داد». هنگامی که مقداری از بنای خانه خدا بالا رفت، حضرت ابراهیم علیه السلام که پیر و سالمند بود، وقتی از برداشتن سنگها خسته می‌شد، به روی سنگی رفع خستگی می کرد، سپس سنگ را برمی‌داشت و در ساختمان به کار می‌برد آن جا همان «مقام ابراهیم» است. «۲»

۶- درخواست مناسک حج برای توبه و بازگشت به خدا

«وَ ارِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا انَّکَ انْتَ التَّوّابُ الرَّحیم؛ پروردگارا! مناسک [حج و عمره ما را به ما ارائه فرما و توبه و بازگشت ما را بپذیر که تو توبه‌پذیر و مهربانی». حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام پس از اتمام بنای کعبه در حالیکه به دور خانه طواف می کردند، از خدا خواستند که آنان و فرزندانشان را مسلمان واقعی گرداند و راه و رسم حج و سایر عبادات آن مکان مقدس را به آنان ارائه دهد و توبه و بازگشت آنان را بپذیرد خداوند جبرئیل را فرستاد و مناسک حج را از آغاز تا روز عرفه به آندو آموخت. «۱»

۷- دعوت الهی برای حج

وَ اذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُروا اسْمَ اللَّهِ فی أَیّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُم مِنْ بَهیمَةِ الْانْعام «۱» و درمیان مردم برای ادای حج ندا ده تا پیاده و سواره- بر مرکبهای لاغر شده از دوری راه- از دره‌های عمیق سوی تو آیند. تا شاهد منافع خویشتن باشند و نام خدا را در روزهای معین یاد کنند. پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام با کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام خانه خدا را بپا داشت ندا آمد که میان مردم اعلام حج کن. ابراهیم علیه السلام اظهار داشت من یک تن بیشتر نیستم چگونه می‌توانم همه مردم سراسر جهان را به حج دعوت کنم؟ خداوند فرمود از تو اعلام کردن و از ما رساندن آن به گوش جهانیان ابراهیم علیه السلام پرسید: چه بگویم؟ ندا آمد که بگو: لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک. (به فرمان پروردگارا، به فرمان) و این نخستین لبیک بود که گفته شد. چون وقت حج فرا رسید حضرت ابراهیم علیه السلام رو به یمن کرد و مردم را به سوی حج دعوت کرد، پاسخ شنید: لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک. آنگاه روی بسوی مشرق کرد و دعوت الهی را به مردم آن دیار املاء کرد. پاسخ شنید: لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک. سپس رو سوی مغرب کرد و مردم مغرب زمین را به خانه خدا فراخواند. جواب شنید: لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک. و آنگاه رو به سوی شام کرد و کلمه لَبَّیْک، اللَّهُم لَبَّیک. را انشاء کرد و مردم شام جواب دادند: لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک. «۲» ، پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۵

بخش ۲: استطاعت و انواع حج

اشاره

دعوت به حج توسّط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استطاعت و گستره آن خرج کردن در راه حج انواع حج و عمره فهرست مناسک حج و عمره اعمال حج و عمره یک واحد به هم پیوسته

۱- دعوت به حج توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ الَیْهِ سَبِیْلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَانَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِیْنَ. «۱» و این حق خدا بر مردم است که هر کس برای رسیدن به مکه استطاعت و توانایی دارد، آهنگ خانه کند و مراسم حج را بجا آورد و کسی که کفر ورزد باید بدانند که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است. فقها احکام زیر را از آیه فوق استنباط کرده‌اند: ۱- علی الناس (بر مردم) عام است و با «من استطاع» (هر کس استطاعات دارد) پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۸ تبدیل به خاص شده است، یعنی آن دسته از مردم که استطاعت و توانایی دارند. ۲- کلمه الناس و مَنِ اسْتَطاعَ، مردان و زنان و خنثاها را در بر می‌گیرد. ۳- بدیهی است که فرمان حج شامل افراد عاقل می‌شود چون از نظر عقل شرط خطاب فهم است و افرادی را که فاقد ادراک هستند در بر نمی‌گیرد، و در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: از سه دسته تکلیف برداشته شده است: الف: کودک تابه هنگام بلوغ. ب: دیوانه تا هنگام به عقل آمدن. ج: خواب تا به هنگام بیداری. «۱»

۲- استطاعت و گستره آن

۴- استطاعت شامل موارد زیر می‌شود: الف: استطاعت زمانی. ب: استطاعت بدنی ج: استطاعت مالی د: استطاعت طریقی بنابراین بر کسی که فاقد هر یک از توانائی‌های فوق باشد، حج واجب نخواهد بود. ۵- لازم نیست که شخص مالک هزینه سفر باشد بلکه امکان بهره‌برداری از آن کافی است، بنابراین اگر کسی هزینه سفر حج را به وی ببخشد، مستطیع محسوب می‌شود مگر اینکه قبول آن مستلزم منّت و هتک حرمت او باشد. آیةالله العظمی مکارم، مناسک حج، ۲۷ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۹ ۶- وجوب حج در آیه فوق، واجب فوری است به چند دلیل: الف: «وَ سارِعُوا الی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُم «۱»»؛ به سوی مغفرت پروردگارتان بشتابید». ب. فاء تعقیب و تهدید کسانی که ترک حج کنند به کفر: (وَ مَنْ کَفَرَ فَانَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِیْنَ) صراحت در فوریت دارد. ۷- در طول مدت عمر، یکبار بیشتر حج واجب نیست زیرا: الف: لفظ مطلق بر اقل مراتب آن عمل می‌شود. ب: اصل برائت ذمّه از بیشتر از یکبار است. ج: امر اقتضای تکرار نمی‌کند. د: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حج یکبار در عمر است و زائد بر آن مستحب است. «۲» ۸- آیه فوق دارای تأکیدات متعدّد در امر حج است که در غیر آن نیامده است: الف: با سبک و صیغه خبری: «لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» ب: به صورت جمله اسمیه: «حِجُّ الْبَیْتِ» ج: به عنوان حقّ خدا بر گردن مردم: «لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ» د: ابتدا تعمیم حکم به همه مردم «عَلَی النَّاسِ» و آنگاه تخصیص آن به افراد مستطیع «مَنِ اسْتَطاعَ» ه: نامیدن ترک حج به کفر «وَ مَنْ کَفَرَ» یعنی ترک حج کار کفرپیشگان است و از گناهان بزرگ محسوب می‌شود. و: ذکر بی‌نیازی «فَانَّ اللّهَ غَنِیٌّ» در آیه فوق نشانگر عظمت خشم الهی بر ترک‌کنندگان حج است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۰ ز: تعبیر «غَنِیٌّ عَنِ العالَمِیْنَ» (خدا از جهانیان بی‌نیاز است) به جای «غَنِیٌّ عَنْهُ» (بی‌نیاز از او) تأکید بیشتری را می‌رساند، یعنی خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است و از ترک کننده حج به طریق اولی بی‌نیاز است. «۱»

۳- خرج کردن در راه حج

«وَ انْفِقُوا فِی سَبیلِ اللَّهِ وَ لا تُلْقُوا بَایْدِیَکُمْ الَی التَّهْلُکَةِ وَ احْسِنُوا انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الُمحْسِنینَ. «۲» و در راه خدا خرج کنید و با دست خود،

خود را به هلاکت نیفکنیـد و نیکویی کنید که خداوند نیکوکاران را بسیار دوست دارد». از تعمیم آیه فوق و آمدن آن میان احکام حج استفاده می‌شود که: ۱- برای سـفر حـج بایـد به تهیه و تدارک زاد و توشه پرداخت: «وَ انْفِقُوا» «۳» ۲- و بایـد در راه خدا خرج کرد: «وَ انْفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ» «۴» ۳- نباید بدون زادو توشه، به صِرف توکّل یا اتّکال به این و آن مبادرت به سفر حج کرد. زیرا که این افکنـدن خود به وادی هلاکت است: «وَ لا تُلْقُوا بِایْدِیَکُمْ الَی التَّهْلُکَهِ». ۴- گذشـته از انفاق در راه سـفر حج، مستحب است که انسـان امکانـات بیشتری را با خود همراه داشـته باشـد و به احسان و نیکی به افراد نیازمنـد بپردازد که خداونـد نیکوکاران را دوسـت می‌دارد: «وَ احْسِنُوا انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ». ۵- در مراسم حـج آن چنان در راه خدا انفاق و عبادت کنید که گویی خدا را می‌بینید که اگر شما او را نمی‌بینید، خدا شما را می‌بیند: «وَ احْسِنُوا» (احسان کنید) «الإِحْسانُ انْ تَعْبُدَ اللَّهَ کَانَّکَ تَرَاهُ ...»

۴- انواع حج و عمره

وَ اتِمّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلَّهِ ... فَمَنْ تَمَتَّع بِالْعُمْرَهِ الَی الْحَجِّ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْی، ... ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُنْ اهْلُهُ حاضِری الْمَسْجِدِ الْحَرام ... اعمال حـج و عمره را تمام بجا آورید ... هرکه از عمره تمتع به حج درآید پس آنچه از قربانی میسّر است ... این حکم برای کسـی است که خانواده‌اش مقیم مسـجدالحرام نباشد. ۱- عمره ماننـد حـج واجب است فرمان به اتمام حج و عمره دلیل بر این است که هر دو عبادتنـد و واجـب است که بجـا آورده شونـد زیرا که امر برای وجـوب است و وجـوب هر یـک از اجزا مسـتلزم وجـوب مـاهیّت ترکیب شـده از آن اجزاء است پس همانطور که حج واجب است، عمره نیز واجب است. از میان فقهاء اسـلام تنها ابوحنیفه و مالک عمره را مسـتحب دانسـته‌اند. و آیه را چنین معنی کرده‌انـد که هرگـاه این دو عمل را شـروع کردیـد.، از نظر این دو نیز با شـروع در مستحب، اتمام آن واجب می‌شود. ۲- انواع حج: از آیه فوق برمی‌آید که حج بر سه گونه است: تَمَتُّع، قِران و افراد حج تمتع، حجی است که عمره در آن مقـدمه حـج است: فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ الَی الْحَجّ. بر خلاف حـج قِران و افراد. حـج قِران، حجی است که حاجی همراه بـا احرام قربانی خود را روانه محل قربانی می‌کنـد و با اشـعار یا کوتاه کردن مو یا ناخن و اگر بخواهـد با تلبیه احرام می‌بنـدد. حـج افراد حجی است که حـج‌گزار فقط با گفتن لبیک احرام می‌بندد. ۳- انـواع عمره عمره بر دو گونه است: ۱- عمره حج (تمتع، قران و افراد) پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۲ ۲. عمره مفرده. این دو عمره در جهات زیر با یکدیگر مختلفند: ۱. عمره تمتع، عمره‌ایست که قبل از حج تمتع بجا آورده می‌شود. و از آن جهت به آن تمتع گفته می‌شود که در فاصله میان آن و حج تمتع، لـذّت و کامیابی که با احرام عمره حرام شده بود حلال می‌شود، با اینکه هر دو با یکدیگر مربوط بوده یک عمل محسوب می‌شوند. ۲. در عمره تمتع، طواف نسـاء واجب نیست امّا در عمره مفرده واجب است. ۳. میقات عمره تمتع ذوالحلیفه، جحفه، ذات عرق، قرن المنازل و یلملم امّا میقات عمره مفرده، در شـعاع نزدیکتر یعنی جعرانه یا تنعیم یا حدیبیّه است. ۴. کسی که عمره تمتع بجا می‌آورد، از احرام خـارج نمی‌شود جز بـا تقصیر (کوتـاه کردن مو یا ناخن) و سر تراشـیدن (حلق) جایز نیست. امّا کسـی که عمره مفرده بجا می‌آورد مخیر است بین حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر.

۵- اختلاف حج تمتع با قران و افراد

۱. عمره و حـج تمتع باید با هم در یکسال انجام شود به خلاف حج قران و افراد. ۲. عمره و حج تمتع در ماههای حج انجام می‌گیرد (الْحَجُّ اشْهَرُ مَعْلُومات) بخلاف حج قران و افراد. ۳. کسـی که حـج تمتع بجـا می‌آورد صـحیح نیست که طواف حجّش را در حال اختیاری بر وقوف عرفات و مشعر مقدم بدارد بخلاف حج قران و افراد. ۴. در حج تمتع باید طواف و سعی و طواف نساء آن را در روز دهم یـا یازدهم انجام داد و اگر تأخیر بیفتـد، گناه دارد ولی مجزی است اما در حـج قران و افراد می‌توان در طول ماه ذی‌الحجه اعمال فوق را به تأخیر انـداخت و هیچ گناهی ندارد. ۵. حـج تمتع مخصوص کسانی است که خانواده‌شان در محدوده ۴۸ میلی مکه

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۳ ساکن نباشد ذلِکَ لِمَنْ لَمْ یَکُن اهْلَهُ حَاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ و حج قران و افراد برای اهالی مکه است. ۶. حج قران و افراد مخصوص اهل مکه و حاضران در آن است (و اتِمّوا الْحَجّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه) «۱» مگر برخی از حاجیان تمتع که دچار عارضه‌ای می‌شوند مانند زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع به جا آورد، باید قصد حج افراد کند و به همان احرام عمره تمتع، که به حج افراد عدول کرده رهسپار عرفات شود، و مثل سایر حجاج در آنجا وقوف کند و سایر اعمال بعدی را بجا می‌آورد بجز قربانی که واجب نیست و مستحب است. «۲» ۷. در حج قران و افراد قربانی واجب نیست اما در حج تمتع واجب است: فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ الَی الْحَجّ فَمَا اسْتَیْسَرِ مِنَ الْهَدْیِ. انواع حج و عمره در جدول زیر چنین خلاصه می‌شود: عمره مفرده افراد حج افراد انواع حج

۶- فهرست مناسک حج و عمره تمتع

وَ اتِمُّوا الحجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ «۱» اعمال عمره تمتع پنج چیز است: ۱. احرام ۲. طواف ۳. دو رکعت نماز طواف ۴. سعی ۵. تقصیر و در عمره مفرده طواف نساء و دو رکعت نماز آن افزوده می‌شود. و حج تمتع دارای ۱۳ عمل است: ۱. احرام در مکه ۲. وقوف در عرفات ۳. وقوف در مشعر ۴. رمی جمره عقبه ۵. قربانی ۶. حلق یا تقصیر در منی ۷. طواف خانه خدا ۸. دو رکعت نماز طواف ۹. سعی بین صفا و مروه ۱۰. طواف نساء ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء ۱۲. بیتوته در منی در شبهای ۱۱ تا ۱۳ (تشریق) ۱۳. رمی جمرات سه گانه در هر روز.

۷- اعمال حج و عمره یک واحد به هم پیوسته.

وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... «۲» اعمال حج و عمره را برای خدا تمام کنید و ناتمام نگذارید. بعضی گفته‌اند اتمام حج به این است که زائر از میقات احرام ببندد و بعضی گفته‌اند، که تمامی هزینه سفرش از مال حلال باشد و برخی گفته‌اند خالصانه به این عبادت پردازد و کارش فقط برای خدا باشد. سیوری گوید: حقیقت مراد آیه این است که تمامی اعمال حج یک واحد به هم پیوسته و یک مجموعه از هم ناگسسته است مانند اجزاء نماز که اخلال به هر جزئی از آن موجب بطلان نماز بوده که باید پس از اتمام آنرا اعاده کند نه مانند روزه که هر پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۵ روزش عبادتی مستقل است و اخلال به یکی از روزها صدمه‌ای به روزهای دیگر نمی‌زند. بنابراین اگر کسی حجش را خراب کند باید آنرا به اتمام برساند و سال آینده حج بجا آورد زیرا که اتمام حج و عمره واجب است. و نیز به آیه فوق استدلال کرده‌اند که واجب است حتی حج و عمره مستحبی را به اتمام رساند. «۱» از نظر آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی: کسانی که با اجازه ایشان از مراجع گذشته پیروی می کنند چنانچه سال اولشان باشد و بخواهند در پاره‌ای از مسائل به فتاوای معظم له عمل کنند لازم است در تمام مسائل حج به فتوای ایشان عمل کنند. «۲» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۷

بخش ۳: مناسک عمره

اشاره

احرام در میقات تقوی از محرّمات احرام طواف نماز طواف سعی بین صفا و مروه تقصیر

۱- احرام در میقات

اشاره

انَّ یَوْمَ الْفَصْلِ مَیْقاتُهُم اجْمَعِین «۱» روز فصل (و جدایی از تعلقات مادی) میقات و وعده‌گاه تمام خلایق است. در اطراف و جهات مختلف مکه پایگاههایی به نام «میقات» تعیین شده که وقتی حجاج به این نقاط می‌رسند، برای ورود به حریم الهی لباسهایی که معمولًا نشانگر زینت و خودآرایی، و تفاخر و تکبر و تبعیضات قومی و نژادی است، از تن بیرون می‌آورند و دو قطعه پارچه ساده و ندوخته و سفید به نشانه لباس تقوی می‌پوشند، همچون میقات مردگان در روز فصل و جدایی. این عمل همراه با نیت و قصد قربت و نزدیک شدن به خدا انجام می‌گیرد زیرا که قرآن می‌فرماید: وَ اتِمُّوا الحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّه «۲»؛ اعمال حج و عمره را به طور کامل خالصانه برای خدا انجام دهید، دور از هرگونه ریا و تظاهر. مستحب است قبل از احرام بدن را پاکیزه و غسل کند و واجب است به هنگام احرام با گفتن لبیک به دعوت الهی پاسخ دهد.

واجبات احرام

اشاره

واجبات احرام دو امر اساسی است: ۱. احرام در میقات ۲. تقوی از محرمات میقات: از توقیت، یعنی برای هر چیزی وقت خاصی قرار دهند، آنگاه این مفهوم پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۰ توسعه یافته و بر محدوده مکانی شئ نیز اطلاق شده است. «۱» و در اصطلاح: میقات: مکانها و زمانهای تعیین شده برای عبادت است. بنابراین احرام دارای دو نوع میقات است: زمانی و مکانی.

۱. میقات زمانی

الْحَجُّ اشْهَرٌ مَعْلُومات، فَمَنْ فَرَضَ فِیْهِنْ الْحَجَّ ... حج در ماههای معینی است، کسانی که با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند باید از محرمات احرام خودداری کنند. میقات زمانی حج عبارتست از ماههای: شوال، ذیقعده و دهه اول ذیحجه. احرام حج جز در این ماهها صحیح نیست از نظر امامیه عمره تمتع نیز تنها در این ماهها صحیح است.

۲. میقات مکانی

میقات مکانی، به دو قسم تقسیم می‌شود: میقات مکانی برای احرام عمره، و میقات مکانی برای احرام حج. الف: میقات مکانی برای احرام حج: میقات حج نسبت به فاصله مکانی زائرین متفاوت است: میقات آفاقی: برای کسانی که منزلشان خارج از منطقه مواقیت است. میقات میقاتی: برای کسانی که در مناطق میقات یا محاذی آن یا در فاصله کمتری تا حرم ساکنند مانند اهالی غدیر، عسفان و مرّ الظهران. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۱ میقات حرمی: برای کسانی که در منطقه حرم زندگی می‌کنند. میقات مکی: برای کسانی که در خود مکه به سر می‌برند. ب: میقات مکانی برای عمره میقات مکانی برای عمره همان میقات مکانی حج برای ساکنین آفاقی و میقاتی است و میقات کسانی که در مکه هستند چه اهالی آن و چه غیر اهالی از ادنی الحل می‌باشد. تفصیل این دو میقات از این قرار است: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۲ میقات های مکانی

میقاتهای عمره تمتع

عِرْق، العراق؛ یَلَمْلَم، الیمن و بذی الحلیفهٔ، یحرم المدنی و الشام، جحفهٔ ان مررت بها و لأهل نجد، قرن؛ فاستبن ۱. کسانی که از

مدینه رهسپار مکه می‌شوند در مسجد شجره واقع در ذوالحلیفهٔ، محرم می‌شوند جائیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محرم شدند «۱» و اکنون به «آبار علی» (چاههای امام علی علیه السلام) مشهور است. مسجد شجره در ۴۴۰ کیلومتری شمال مکه و ۹ کیلومتری مدینه واقع شده است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۴ ۲. زائران غربی مانند اهالی شام، مصر و مراکش و کسانی که نمی‌خواهند به مدینه روند در جحفه ۱۵۶ کیلومتری غرب مکه احرام می‌بندند این سرزمین پایگاه سپاهیان اسلام به هنگام فتح مکه بوده و در نزدیکی «غدیر خُم» است. «۱» امروزه فاصله جحفه تا مکه از راه اتوبان هجرت حدود ۲۲۰ کیلومتر می‌باشد. «۲» ۳. زائران شرقی مانند اهل عراق و نجد، در وادی عقیق واقع در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه محرم می‌شوند این میقات دارای سه قسمت: مسلخ، غمره و ذات عرق است که احرام بستن از تمام آنها جائز است ولی از مسلخ افضل است. «۳» ۴. و کسانی که از راه طائف به مکه می‌روند در قرن المنازل واقع در ۹۶ کیلومتری مکه احرام می‌بندند و اکنون به آن «السیل» گفته می‌شود. ۵. زائران جنوب که از راه یمن به حج می‌روند در یلملم (نام کوهی است) واقع در ۸۴ کیلومتری جنوب مکه محرم می‌شوند. در این سرزمین مسجد معاذ بن جبل قرار دارد. «۴»

میقات حرمی و مکّی

۶. شهر مکه: میقات برای حج تمتع از نظر آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی از هر نقطه مکه حتی نقاطی که بر اثر توسعه شهر به آن اضافه شده است می‌توان محرم شد ولی بنا به احتیاط واجب از محدوده حرم که در نقشه صفحه ۴۶ ترسیم شده خارج نباشد. ۷. منزل: برای کسانی که منزلشان از میقات به مکه نزدیکتر است. ۸. جعرانه: محلی در انتهای حرم میان طائف و مکه برای اهالی مکه و کسانی که مدت دو سال در مکه اقامت کرده‌اند. ۹. محاذات یکی از میقاتها: برای کسانی که از میقات نمی‌گذرند، و در این مسئله فرقی میان راههای صحرائی، دریایی و هوایی نیست، بنابراین هرگاه با هواپیما از محاذات یکی از میقاتها عبور کند باید از همانجا محرم شود و بلافاصله لبیک گوید. ۱۰. ادنی الحل: یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می‌آورند، (اعم از عمره حج قران و افراد و یا عمره مفرده که در هر موقع از سال می‌توان بجا آورد) مانند تنعیم، جعرانه و حدیبیه (چنانکه در تصویر شماره ۸ دیده می‌شود). آیهٔالله العظمی مکارم، مناسک، ص ۳۰- ۳۹. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۶ نقشه میقاتهای سه گانه با استفاده از «اطلس التاریخ الاسلامی»، الدکتور شوقی ابوخلیل، چاپ دمشق ۱۴۱۹ ه، ص ۳۱

تقوی از محرمات

اشاره

«الْحَجُّ اشْهَرٌ مَعْلُوماتٌ، فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ: فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَانَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوَی وَ اتَّقُونِ یا اولِی الْالْبابِ.» حج در ماههای معینی است، کسانی که [با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند باید از امور زیر اجتناب کنند: آمیزش با همسر، دروغ و دشنام، جدال و مشاجره. آنچه از کارهای خیر انجام می‌دهید خدا می‌داند. و زاد و توشه برگیرید که بهترین زاد و توشه تقوی است. و تقوای الهی پیشه کنید ای خردمندان». راز تقوی از محرمات احرام: الف. حفاظت حریم معنوی الهی از شهوت ب. حفاظت حریم صلح و سلام الهی از غضب ج. حفاظت حریم امن الهی از خونریزی د. حفاظت محیط زیست از فساد و تخریب. ه. حفاظت حریم زیبا و عطرآگین الهی از آلایشهای دنیوی.

الف: حفاظت حریم معنوی الهی از شهوت

اشاره

فَمَنْ فَرَضَ فیهِنَّ الْحَجِّ فَلاـ رَفَثَ «رفث» در اصـل به معنای هر سـخنی است که مربوط به یاد و ذکر زنان و یا سـخن زنان در آمیزش باشد «۲» و برخی گفته‌انـد آمیزش و مقـدماتش. «۳» از نظر آیـهٔالله العظمی مکارم: هنگام حـج بایـد از تمتعات جنسـی و انجام گناه برکنار بود، زیرا محیط، محیط عبادت، خلوص و ترک لـذتهای مادی است، محیطی است که روح باید از آن نیرو بگیرد و یکباره از جهان ماده جدا شود و به جهان ماوراء ماده راه یابد. «۴» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۸ در این راستا فقها امور زیر را در حال احرام حرام دانسته‌اند:

۱- عقد کردن از برای خود یا دیگری و حتی شاهد عقد بودن

۲- نگاه با شهوت به همسر خود.

۳- لمس کردن و دست گذاشتن بر بدن همسر به قصد شهوت.

۴- بوسیدن همسر از روی شهوت.

۵- نزدیکی با زن.

۶- استمناء و خودارضایی (یعنی کاری کند که موجب خارج شدن منی شود).

مناسک حج ۱۴۰- ۱۴۱

ب: حفاظت حریم صلح و سلام الهی از غضب

۷- تقوی از فسوق:

فَمَنْ فَرَضَ فِیْهِنَّ الْحَجّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ «فسق» در اصل به معنای خارج شـدن خرما از پوست است که در مفهوم خروج از طاعت به کـار می‌رود. از نظر امـامیه: فسوق به معنای دروغ گفتن است «۱» و بعضـی گفته‌اند: تمامی گناهان «۲» و برخی گفته‌اند: دشنام و بدگویی است به دلیل اینکه در روایت آمده که «سِـبابَ الْمُؤمِنِ فُسُوقِ» «۳» و از نظر زمخشری: خروج از حدود شریعت. «۴» در این راسـتا در مناسـک حـج آیـهٔالله العظمی مکارم می‌خوانیم: دروغ گفتن و دشـنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شـده بعضـی از کارهایی است که محرم بایـد ترک کند بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران یا بیان نقص دیگران پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۹ نسبت به خود نیز اجتناب کند. و این سه کار طبق بعضی از روایات در معنی «فسوق» جمع است. و کفاره آن استغفار است. مناسک، ص ۸۱.

۸- تقوی از جدال و مشاجره:

وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِ جدال در لغت به معنای مجادله، منازعه، مشاجره و مخاصـمه، و از نظر طبری، درگیری لفظی با کسـی به طوری که او را به خشم آورد و از نظر طوسـی، طبرسـی و ابوالفتح رازی به معنای درگیری لفظی و ستیزه‌جویی و گفتن: «لا و الله» و «بلی و الله» است. چه راست باشـد یـا دروغ. از نظر ابن عبـاس، ابن مسـعود و حسن، منظور از جـدال، مراء و خودنمـایی، بـدگویی و سـخن گفتن با تنـدی و لجاجت است. «۱» آیهٔالله العظمی مکارم در فلسـفه حرمت مجادله و مشاجره می‌نویسـند: برای رسیدن به حریم امن الهی و نزدیـک شـدن به خـدا همه بایـد بـا هم یکی شویم و از هرچه مـایه تفرقه و جـدایی است بپرهیزیم و رشـته اتحـاد و اتفـاق و برادری را میان خود محکم گردانیم. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰.

ج. حفاظت حریم امن الهی از خونریزی

۹- تقوی از خونریزی حتی با حجامت و خاراندن پوست

۱۰- مسواک و کشیدن دندان که منجر به خونریزی شود

بنا بر احتیاط «۲»

۱۱- بستن اسلحه (وسیله خونریزی).

مناسک، ص ۱۶۲- ۱۶۷ یکی از عوامل مهم دوری از خدا، قساوت قلب و خونخواهی و خونریزی است، در محیط طاغوتی و دنیوی انسانها چنان دچار سـنگدلی می‌شونـد که از ریختن خون یکـدیگر ابایی ندارنـد و از این رو فرشـتگان به هنگام آفرینش آدم اظهار داشـتند: «اَتَجْعَلَ فیها مَنْ یُفْسِـدُ فیها وَ یَسْفِکُ الدِّمَاء؟؛ آیا کسـی را در زمین خلیفه قرار می‌دهی که کارش فساد و خونریزی است». پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۰ بنـابراین برای ورود به حریم امن الهی چه در نماز و چه در حـج و عمره بایـد بـدن و لباس خود را از هرگونه آلودگی به خون بر حذر داشت، و با دامنی پاک و قلبی مهربان به سوی خدا گام برداشت تا به مقام قرب و خلافت الهی نائل گردیم.

د. حفاظت محیط زیست از فساد و تخریب

اشاره

وَ اذْ قـالَ ابْراهیمُ: رَبِّ اجْعَـلْ هَـذَا بَلَـداً آمِنًا وَ ارْزُقْ اهْلَهُ مِنَ الَّثمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِـاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْأَخِرِ قـالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَـامَتِّعُهُ قَلِیْلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ الی عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ المَصیر. «۱» و به یاد آور آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این سـرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آنرا از ثمرات (محصولات کشاورزی) روزی بخش، کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان آورده‌اند، خداوند فرمود: من گذشته از افراد با ایمان حتی کفرپیشـگان را نیز، از رزق این جهان که روزی انـدکی است بهره‌مند می‌سازم سـپس کفرپیشه را به عذاب آتش

(که نتیجه کفر اوست) دچار می‌سازم و چه بد جایگاهی است. این آیه بر ایمنی شـهر و اهالی آن دلالت دارد امّا چون صـفت «آمناً» به شـهر نسبت داده شـده، این امنیّت شامـل حیوانـات و درختـان و گیاهان و به طور کلّی حفاظت محیط زیست می‌شود. در این‌باره آیهٔالله العظمی مکارم چنین می‌فرمایند: «جالب اینکه ابراهیم علیه السلام نخست تقاضای «امنیت» و سپس تقاضای «مواهب اقتصادی» می کنـد و این خود اشـاره‌ای است به این حقیقت که تـا امنیت در شـهر یـا کشوری حکمفرما نباشـد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست». تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۲. در این راستا موارد زیر جزء محرمات احرام به حجاج آموزش داده می‌شود:

۱۲- کندن درخت یا بوته یا علفی که در حرم روئیده است. «۱»

۱۳- کشتن حشرات و جنبندگان مگر اینکه مایه آزار او شوند یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب «۲»

باشد که به هنگام بازگشت، در حفظ امنیت و محیط زیست خود بکوشـیم. و در همین سوره بقره ضـمن آیات مناسک حج، به طور کلی می‌آموزیم که تخریب محیـط زیست نـابود کردن کشـاورزی و دام (حرث و نسـل) کـار مفسـدین و اهل دوزخ است که: وَ اذا تَوَلّی سَعَی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فَیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفِسادَ. «۳»

۱۴- تقوی از شکار و کشتن و خوردن آن

«یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُو لا تَقْتُلُواْ الصِّیْدَ وَ انْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّدَاً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَم. یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَـدْلٍ مِنْکُمْ هَـدْیاً بالِغَ الْکَعْبَةِ اوْ کَفّارَةٌ طَعامُ مَساکِیْنَ او عَدْلُ ذَلِک صِیاماً لِیَذُوقَ وَبالَ أَمْرِهِ «۴»؛ ای مؤمنان در حالی که محرم هستید شـکار را نکشید و هر کس از شـما عمداً آنرا بکشد بر اوست که به کیفر این کار نظیر آنچه کشـته است از چهارپایان که دو عادل از شما به همانندی آن حکم دهنـد پیرامون کعبه قربـانی کننـد، یـا بایـد کفّاره‌ای بدهـد طعام مساکین یا برابر آن روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشـد». مقـداد سـیوری در تفسیر آیه فوق می‌نویسـد: صـید در هر احرام خواه احرام حج یا احرام عمره، خواه حج واجب یا مستحب، حرام است. کفّاره کشـتن صـید، یک قربانی مشابه است که خود یا قیمت معادل آن صـرف اطعام شصت مسکین می‌شود و اگر تنگدست بود به اندازه هر یک، یک روز روزه می گیرد.» «۵» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۲ شکار صحرایی «حُرِّمَ عَلَیْکُم صَیْدُ الْبَرِّ مادُمْتُم حُرُماً «۱»؛ شـکار صـحرایی تا وقتی که محرم هستید، بر شما حرام شده است». فقها یکی دیگر از محرمات احرام را شکار حیوانات صحرایی و پرندگان و خوردن گوشت شکار ذکر کرده‌اند. «۲»

۱۵- تراشیدن موی سر

«وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَکُمْ حَتَّی یَبْلُغَ الْهَدْی مَحِلَّه «۳»؛ و سرتان را نتراشید تا قربانی به قربانگاه برسد». کفاره تراشیدن سر از اینقرار است: «فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَریضاً اوْ بِهِ أَذْیً مِنْ رَأْسِهِ؛ هر کس از شـما که بیمار باشد یا سـرش آزاری رسیده باشد [و سر بتراشد] بر اوست که کفـاره‌ای بدهـد»: فِدْیَهٌ مِنْ صِیَام (کفاره‌ای از روزه) اوْ صَـدَقَه (یا صـدقه) اوْ نُسُک (و یا قربانی) در مناسک آیـهٔالله العظمی مکارم می‌خوانیم: مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند خواه با تراشیدن یا قیچی یا کندن یا به هر وسیله دیگر خواه شخصاً این کار را انجام دهـد یا دیگری را وادارد که او را اصـلاح کنـد. هرگاه عمـداً موهای سـر یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را بتراشـد کفاره آن یک

گوسفند است. ولی اگر داشتن مو سبب بیماری یا ناراحتی شدید گردد جایز است که پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۳ آنرابتراشد امّا باید کفّاره بدهد و برای آن مخیّر است میان یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک و نیم کیلو). اگر مقداری از موی سر یا صورت یا زیر گلو یا زیر بغل را بزند اطعام یک فقیر کافی است. مناسک حج، ص ۷۲ و ۷۳.

ه حفاظت حریم زیبا و عطرآگین الهی از آلایشهای دنیوی

اشاره

ثُمَّ لْیقضُوا تَفَثَهُمْ ... «۱» آنگاه باید آلایشهایشان را بزدایند. حجاج برای آراسته شدن به زینت ایمان و تقوی «۲» و استشمام عطر الهی، خود را از آلایشهای دنیوی می‌زدایند: آلایشهای حرام شده در سنّت نبوی از این قرار است:

۱۶- پوشیدن لباس دوخته برای مردان.

۱۷- پوشیدن سر برای مردان.

۱۸- پوشیدن کفش (پاپوشی که تمام پشت پا را بپوشاند) برای مردان.

۱۹- پوشیدن انگشتر زینتی برای مردان.

۲۰- پوشیدن زیورآلات به جهت زینت و آرایش برای بانوان اگرچه برای همسر باشد.

۲۱- پوشیدن صورت برای بانوان.

۲۲- مالیدن انواع روغنها و کرمها به بدن.

۲۳- حنا بستن و رنگ کردن موها برای زینت.

۲۴- استعمال انواع عطرها، صابون و شامپوی معطر. گرفتن مشام از بوی نامطبوع.

۲۵- گرفتن ناخن.

۲۶- نگاه کردن به آئینه.

تقوی از آلایشهای دنیوی برای آراسته شدن به زیور ایمان

«وَ لکِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ الَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فی قُلُوبِکُم «۱»؛ و لکن خداوند ایمان را برای شما محبوب گردانید و آن را در قلبهایتان زینت داد». احرام و محرمات آن به حجاج می‌آموزد که زینت و زیبایی انسان به جمال ظاهری نیست بلکه به کمالات و آراستگی‌های درونی و معنوی است. صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار حجاج در حال احرام لباسهای معمولی و زینت‌آلات را کنار می‌گذارند تا خود را به لباس بهتری یعنی لباس تقوی بیارایند: «یا بَنِی آدَمَ قَدْ انْزَلْنا عَلَیْکُم لِباسًا یُوارِی سَوءَاتِکُم وَ رِیْشاً وَ لِباسُ التَّقْوَیْ ذلِکَ خَیْرٌ «۲»؛ ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند، و مایه زینت شماست و لباس تقوی بهتر است». و از این رو حجاج در حالی که زیورهای مادی را کنار گذاشته و با لباس احرام مشغول طواف و سعی هستند این دعا را می‌خوانند: اللَّهُمَّ حَبِّبْ الَیْنَا الْإِیمانَ وَ زَیِّنْهُ فِی قُلوبِنا «۳» خداوند ایمان را برای ما دوست داشتنی گردان و آنرا در دلهای ما زینت قرار ده!

آراسته شدن به زیور تقوی و نیکوکاری

قرآن برای آراسته شدن حجاج در حال احرام به زیور تقوی و نیکوکاری می‌فرماید: ۱- در حال احرام هرچه بیشتر به کارهای نیک بپردازید و توجه داشته باشید که هر کاری را انجام دهید خدا می‌داند و به آن پاداش می‌دهد: وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللَّه پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۵ ۲- هر کس زاد و توشه خود را بردارد و در خوراک و طعام کلّ بر دیگران نشود و بار خود را خود بر دوش گیرد و به این و آن تحمیل نکند: (وَ تَزَوَّدُوا) ۳- در گفتگو و نشست و برخواست با همسفران و دیگر میهمانان خدا از سراسر جهان، خود را آراسته به تقوی کند: فَانَّ خَیْرَ الزّادِ التَّقْوی ۴- در طی مدت احرام از هرگونه بی‌خردی و گفتار و کردار نامعقول بپرهیزد: (وَ اتَّقُونِ یا اولِی الْالْباب) ۵- در طول احرام مانعی ندارد که به تجارت و داد و ستد بپردازد اما بکوشد که خود را با زیور راستی و درستی و فضل بیاراید: لَیْسَ عَلَیْکُم جُناحٌ انْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّکُم «۱»

ورود به مکه معظمه

«و مَنْ دَخَلَه کانَ آمناً؛ و هر کس که داخل آن [مکه مکرمه شود ایمن باشد». میهمانان خدای رحمان در حالیکه همه آلایشها و نشانه‌های تفاخر و خودبرتربینی را کنار گذاشته و آنچنان خودبینی را از یاد برده که حتی به آئینه نمی‌نگرند، آماده می‌شوند تا با زیور ایمان و با توشه تقوی در محیطی پر از صلح و آرامش و عاری از هرگونه ریا و جدال وارد خانه خدا شوند. باشد که خداوند با این آیه به آنان اذن دخول دهد: «یا ایَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی الی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَةً فَادْخُلِی فِی عِبادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی؛ ای نفس آرامش یافته! به سوی پروردگارت، خشنود و راضی بازگرد و در زمره بندگانم درآی و به بهشت من داخل شو».

۲- طواف

اشاره

«وَ لْیَطَّوَفُوا بِالْبَیْتِ العَتِیقِ «۱» و پیرامون بیت العتیق طواف کنند». همانطور که فاضل مقداد در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: این آیه به طور اجمال صراحت در وجوب طواف پیرامون خانه خدا دارد. «۲» حجاج پس از ورود به خانه خدا به گرد کعبه می‌روند تا همراه با فرشتگان طواف کننده عرش الهی، (وَ تَرَی الْمَلائِکَةَ حافینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ) «۳» به دور خانه کعبه طواف کنند.

حجر اسماعیل در طواف

در کنار خانه خدا حریمی برای «هاجر» و فرزندش «اسماعیل» باز شده به نام «حجر اسماعیل» که هر سال صدها هزار نفر از اطراف عالم به سراغ آن آمده و موظفند در طواف خانه خدا آن حریم را که مدفن آن زن و فرزند است همچون جزئی از کعبه قرار دهند. «۱» از نظر آیهٔالله العظمی مکارم لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه (شعاع ۱۳ متر) باشد بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است (مخصوصاً هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصله مزبور تجاوز نکند. مناسک حج، ص ۱۷۵.

۳- نماز طواف

«وَ اتَّخَذُواْ مِنْ مَقامِ ابْراهیمَ مُصَلًّی «۱» ... و از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید». مقداد سیوری می‌نویسد: فرمان به اینکه مقام ابراهیم را نمازگاه قرار دهید دلیل بر وجوب نماز طواف است که بنا به روایات مورد اتفاق دو رکعت است. «۲» آنگاه زائران خانه خدا مانند فرشتگان که پس از طواف پیرامون عرش الهی با حمد پروردگار به نماز و تسبیح می‌پردازند (یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ) «۳» ، پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف به جا می‌آورند. از نظر آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی: «محل نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می‌توان عقب‌تر خواند مخصوصاً در موقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می‌رسد نباید اصرار بر خواندن نماز پشت مقام داشت و کارهایی که بعضی عوام می‌کنند و مزاحم طواف کنندگان می‌شوند، صحیح نیست. اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می‌توان خواند. مناسک حج، ص ۱۷۶.

۴- سعی بین صفا و مروه

«انَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ اوْ اعْتَمَر فَلْا جُناحَ عَلَیْهِ انْ یَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْرَاً فَانَّ اللَّهَ شاکِرٌ عَلِیْمٌ؛» صفا و مروه از شعائر الهی است کسی که حج یا عمره بجا می‌آورد گناهی بر او نیست که طواف آرد به هر دو و هر کس که با میل و رغبت طواف کند، خداوند سپاس دارنده‌ای داناست». صفا پشته‌ایست از کوه ابوقبیس که بنا به روایت امام صادق علیه السلام، آدم به هنگام هبوط بر آن فرود آمد و صفت آدم که صفی الله بود بر آن نهاده شد و مروه کوه مقابل آن است که حوا بر آن فرود آمد و نام وی را که مرأه بود به صورت مروه بر آن نهادند. «۲» سعی بین صفا و مروه یادآور خاطره توکل توأم با سعی هاجر همسر حضرت ابراهیم علیه السلام است که هفت بار میان این دو کوه شتافت تا برای کودک تشنه‌اش آبی بیابد وی در جائی که آبی به چشم نمی‌خورد تلاش کرد و خداوند هم از راهی که تصور نمی‌کرد او را سیراب نمود. سعی بین صفا و مروه به ما می‌آموزد که در نومیدیها بسی امیدهاست. «۳» «انَّ الصَّفْا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرَ اللَّهِ؛ «۴» صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های الهی هستند (نه از شعائر بت‌پرستی)». «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت و نشانه‌ای است، از نظر طبرسی شعائر الله محلهای معلوم و نشانداری هستند که خداوند آنها را محل عبادت قرار داده و هر محل معینی برای عبادت مَشعَر آن عبادت است چنانکه به بیابان ما بین منی و عرفات که محل ذکر و دعاست مشعر الحرام اطلاق شده است. فاصله این دو کوه کوچک) ۴۲۰ متر و ارتفاع کوه صفا ۱۵ متر و مروه ۸ متر است. «۵» فَلْا جُناحَ عَلَیْهِ انْ یَطَّوَّفَ بِهِما پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۰ این رفع جناه و گناه مربوط به ذهنیت مسلمانان نسبت به آن دو کوه است نه راجع به اصل طواف که واجب است زیرا در جاهلیت بت‌پرستان بت اساق خود را بر روی کوه صفا و بت نائله را بر فراز کوه مروه گذاشته بودند و به دور آن طواف می‌کردند و مسلمانان با این ذهنیت که این دو از شعائر و نشانه‌های بت‌پرستان است از سعی میان آن دو کراهت داشتند. آیه فوق اشکال و ذهنیت آنان را برطرف می‌سازد و می‌فرماید: این دو کوه در اصل از شعائر و مکان عبادت الهی است و گناهی نیست که پیرامون آن دو طواف و سعی بجا آورید. «۱» ۱- سعی یا طواف میان

صفا و مروه از نظر فقهای امامیه و شافعی و مالکی واجب است زیرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اسْعَوا فَانَّ اللَّهَ کَتَبَ عَلَیْکُمُ السَّعْیَ «۲» (سعی کنید که خداوند سعی را بر شما مقرر داشته است). ۲- به همان ترتیبی که در قرآن آمده واجب است که سعی را از صفا آغاز کرد، هرچند که واو مفید ترتیب نیست لکن به خاطر فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله که ابْدَؤا بِما بَدَءَ اللَّهُ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۱ بِهِ «۱» (به آنچه خدا ابتدا کرده ابتدا کنید) و پیامبر صلی الله علیه و آله خود از صفا سعی کردند. «۲» ان یَطَّوَّف بِهِما در آیه فوق به جای تعبیر به سعی میان صفا و مروه، تعبیر به طواف به آن دو کوه کرده، (انْ یَطَّوَّفَ بِهِما: زیرا اگر از بالا به جمعیت سعی کننده بنگریم، آنرا مانند طواف پیرامون کعبه می‌یابیم با این تفاوت که طواف کعبه دایره‌ای و طواف صفا و مروه بیضوی است. و به تعبیر آیـةالله العظمی مکارم شیرازی: کاربرد کلمه طواف بجای سعی با معنی لغوی مخالفتی ندارد، زیرا هر حرکتی که انسان در پایان به جای اول بازگردد به آن طواف گفته می‌شود خواه حرکت دورانی باشد یا نه. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۳. وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْرَاً فَانَّ اللَّهَ شاکِرٌ عَلیمٌ از نظر بعضی یعنی کسی که با میل و رغبت به خیرات و طاعات بپردازد، خداوند شاکری داناست. و کار نیک آنان را بی‌پاداش نمی‌گذارد. و برخی گفته‌اند: یعنی اگر بعد از سعی واجب سهواً دوری را افزون بر هفت دور زند مستحب است که با بجا آوردن شش دور دیگر آنرا تمام کند. «۳» از نظر آیـةالله العظمی مکارم شیرازی: احتمال می‌رود که این جمله تکمیل و تأکید جمله‌های قبل باشد و منظور از «تطوع» پذیرفتن طاعت در آنجا که بر انسان مشکل است می‌باشد. بنابراین معنی جمله چنین می‌شود: کسانی که سعی صفا و مروه را با تمام زحمتی که دارد انجام دهند و بر خلاف میل باطنی که از اعمال اعراب جاهلیت سرچشمه می‌گیرد، حج خود را با آن تکمیل نمایند، خداوند پاداش لازم به آنها خواهد داد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۲ و تعبیر به «شاکر» در مورد پروردگار تعبیر لطیفی است که از نهایت احترام خداوند به اعمال نیک انسانها حکایت می‌کند. جائی که او در برابر اعمال بندگان شکرگزار باشد تکلیف آنها در برابر خداوند معلوم است. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۴- ۵۴۵.

۵- کوتاه کردن مو یا ناخن

اشاره

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسولَهُ الرُّؤیا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ انْشاءَاللَّهُ آمِنِیْنَ، مُحُلِّقِیْنَ رُؤسَکُم وَ مُقَصِّرینَ ...؛ «۱» به راستی که خداوند رؤیای پیامبرش را به حقیقت پیوست که شما انشاءالله در امن و امان، حلق و تقصیر کرده وارد مسجدالحرام خواهید شد». این آیه حکم حلق (تراشیدن سر) و تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) را به طور کلی بیان می‌کند و فقهاء با استفاده از سنت، احکام آنرا به تفصیل چنین ذکر کرده‌اند: ۱- در عمره مفرده، زائر مخیّر بین حلق و تقصیر بعد از سعی بین صفا و مروه است. ۲- در عمره تمتع زائر تنها عمل تقصیر را بعد از سعی بجا می‌آورد یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا پشت لب یا ریش را کوتاه می‌کند. از نظر آیـةالله مکارم، احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن اکتفا نکند و از موی نیز قدری کوتاه کند. ۳- در حج تمتع بعد از عمل قربانی زائر مخیّر بین حلق و تقصیر است. ۴- در حج تمتع، صروره (کسی که برای اولین بار حج بجا می‌آورد) از نظر امام خمینی (ره) بنا به احتیاط واجب باید عمل حلق (سرتراشی) را انجام دهد. و از نظر آیةالله خویی (ره) بنا به احتیاط مستحب و از نظر آیةالله مکارم چنین کسی نیز مخیّر است و سرتراشیدن برایش معیّن نیست.

در فاصله میان عمره و حج

«وَ اذِّنَ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِیْن مِنْ کُلِّ فُجٍّ عَمِیْق لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی ایَّامِ

مَعْلُومات؛ «۱» و مردم را دعوت عمومی به حج کن تـا پیـاده و سواره بر مرکبهـای لاغر از هر راه دور (به سوی خانه خـدا) بیاینـد تا شاهـد منافع گوناگون خویش باشـند و نام خدا را در روزهای معینی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است ببرند». ایام معلومات آیـةالله العظمی مکارم در تفسیر آیه فوق می‌نویسـند: گروهی از مفسـران طبق بعضـی از روایات اسـلامی معتقدنـد که منظور از ایام معلومات ده روز آغاز ذیحجه است و ایام معدودات در سوره بقره، ایام تشریق (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) با توجه به اینکه در آیات فوق بعـد از ذکر «ایام معلومات» مسئله قربانی آمـده و قربانی معمولًا در روز دهم انجام می‌گیرد این موضوع تأیید می‌شود که «ایـام معلومـات» ده روز آغـاز ذیحجـه اسـت که به روز دهم، روز قربـانی ختم می‌گردد. «۲» بنـا به فتوای ایشـان: کسـی که از عمره فراغت یافته و از احرام بیرون آمـده نبایـد بـدون احتیاج از مکه خارج شود و در صورتی که نیازی پیش آیـد واجب است برای حج تمتع محرم گردد و با حالت احرام از مکه خارج شود و به همان حالت احرام برای حج برگردد، خدمه کاروانها می‌توانند برای انجام کارهای لازم به جده و مانند آن بروند و اگر محرم شدن برایشان مشقت داشته باشد می‌توانند آنرا ترک کنند. مناسک حج

شاهد منافع گوناگون خویش

پس از انجام عمره، حجاج تا روز هشتم ذیحجّه که هنگام حرکت دسته‌جمعی عظیم به سوی عرفات است، آزادند، و فرصت مناسبی است که با سایر برادران اسـلامی ارتباط برقرار سازنـد و با یکدیگر آشـنایی پیدا کنند و با هم به گفتگو و تبادل نظر بپردازند، باشـد که شاهـد محسّـنات و منافع یکدیگر باشـند که این یکی از اهداف و فلسـفه مهم حج است: لِیَشْـهَدُوا مَنافِعَ لَهُم بلکه یکی از اهداف مهم آفرینش انسانهاست که خداوند مردم سراسر جهان را از یک مرد و زن آفرید و به صورت قبائل و ملل با استعدادهای گوناگون قرار ده تا یکدیگر را بشناسـند و از کمالات و منافع یکدیگر استفاده کنند: یا اَیُّهَا النَّاس! انَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ انْثی وَ جَعَلْناکُمْ قَبائَلَ وَ شُعُوباً لَتعارَفُوا در این باره امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج فرمود: «انَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ امْرَهُمْ بِما یَکُونَ مِنْ امْرِ الطَّاعَةِ فِی الدّین وَ مَصْلَحَتِهِم فِی امْرِ دُنْیاهُمْ فَجَعَلَ فیهِ الْإِجْتماعَ مِنَ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لِیَتَعارَفُوا وَ لِیَنْزَعَ کُلَّ قَوْمٍ مِنَ التِّجارات مِن بَلَدٍ الی بَلَدٍ ... و لِتَعْرِفَ آثارَ رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله وَ تَعْرِفَ اخْبارَهُ وَ یَذْکُر وَ لا یَنْسـی؛ «۱» خداونـد این بندگان را آفرید ... و فرمانهایی در طریـق مصلحت دین و دنیـا به آنهـا داد، از جمله اجتمـاع مردم شـرق و غرب را (در آئین حـج) مقرر داشت تـا مسلمانان به خـوبی یکدیگر را بشناسـند و از حال هم آگاه شوند و هر گروهی سـرمایه‌های تجاری را از شـهری به شـهر دیگر منتقل کنند. و برای اینکه آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و اخبار او شناخته شود، مردم، آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموش نکنند».

ابعاد مختلف منافع حج

اشاره

از نظر آیـةالله العظمی مکـارم ایـن مناسـک بزرگ در حقیقت دارای چهـار بُعـد است که هر یـک از دیگری ریشه‌دارتر و پرسـودتر است:

۱- بُعد اخلاقی حج:

مهمترین فلسـفه حج همان دگرگونی اخلاقی است که در انسانها به وجود می‌آورد، مراسم احرام انسان را به کلّی از تعیّنات مادی و امتیازات ظاهری و لباسهای رنگارنگ و زر و زیور بیرون می‌برد و با تحریم لذائذ و پرداختن به خودسازی که از وظایف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و روحانیت و صفا فرو می‌برد.

۲- بُعد سیاسی حج:

روح عبادت، توجه به خدا و روح سیاست، توجه به خلق خداست و این دو در حج آنچنان به هم آمیخته‌اند که تار و پود یکپارچه! حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است (که احکام آن خواهد آمد). حج عامل مبارزه با تعصّبات ملّی و نژادپرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است. حج وسیله‌ای برای انتقال اخبار کشورهای اسلامی و شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار.

۳- بُعد فرهنگی:

ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج می‌تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکرها درآید. بخصوص که اجتماع شکوهمند حج نماینده طبیعی و واقعی همه قشرهای مسلمانان جهان است. حج می‌تواند، مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود و اندیشمندان جهان اسلام در ایّامی که در مکه هستند که هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به دیگران عرضه کنند. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۶ اصولًا یکی از بدبختی‌های بزرگ این است که مرزهای کشورهای اسلام سبب جدایی فرهنگی آنها شود و مسلمانان هر کشور تنها به خود بیندیشند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «وَ لَوْ کانَ کُلُّ قَوْمٍ انَّما یَتَکَلَّمُونَ عَلی بِلادِهِم وَ ما فیها هَلَکُو وَ خَرَبَتْ البِلادُ وَ سَقَطَتْ الجَلب وَ الْاَرْباح وَ عَمِیَتْ الأَخْبار؛ «۱» اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویشتن سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشند، همگی نابود می‌گردند و کشورهایشان ویران می‌شود، منافع آنها ساقط می‌گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می‌گیرد.»

۴- بُعد اقتصادی حج:

اشاره

استفاده از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی نه تنها با روح حج منافات ندارد بلکه طبق روایات اسلامی یکی از فلسفه‌های آن را تشکیل می‌دهد. چه مانعی دارد، مسلمانان در آن اجتماع بزرگ، پایه یک بازار مشترک اسلامی را بگذارند و زمینه‌های مبادلاتی و تجاری را در میان خود به گونه‌ای فراهم سازند که نه منافعشان به جیب دشمنانشان بریزد و نه اقتصادشان وابسته به اجانب باشد، که این دنیاپرستی نیست، عین عبادت است و جهاد بنابراین در فاصله عمره و حج، فرصت بسیار مناسبی برای حجاج کشورهای اسلامی است که شاهد منافع گوناگون خویش در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشند. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۵- ۸۲ و از این رهگذر هر یک از ملتها پی به نقصهای خود می‌برند و در جهت رفع آنها برمی‌آیند به عنوان نمونه در سالهای اخیر بسیاری از ملل اسلامی پی به حیات و پویایی مکتب اهلبیت برده و فهمیده‌اند که بسیاری از بدبینیهای آنان نسبت به پیروان این مکتب در اثر جدایی و بی‌اطلاعی تحت تأثیر تهمتهایی که از سوی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۷ استعمارگران به آنان القاء شده، بوده است. با اشتیاق فراوان به سوی شیعیان روی آورده تا این مکتب را بهتر بشناسند و از رمز موفقیت آن استفاده کنند. در این راستا اعلام «محبّت اهلبیت» به عنوان یکی از اصول اساسی اهل سنت و جماعت «۱»، و چاپ و انتشار کتابهایی در عربستان بمانند: «عَلِّمُوا اوْلادَکُمْ مُحَبَّةَ آلِ بَیْتِ النَّبی»، و کتاب «فاطمهٔ سیدهٔ نساء اهل الجنهٔ» و کتاب «علائم ظهور المهدی» و «موسوعهٔ فقه الامام علی بن ابیطالب» و «مدخل الی فقه الامام علی علیه السلام» و «مفاهیم

یحب ان تصحح» درباره توسّل و ... می‌تواند طلیعه‌ای نویدبخش برای شناخت صحیح شیعه باشد. همچنانکه ایرانیان با مشاهده نمازهای باشکوه و با عظمت مسجدالحرام و مسجد النبی و استقبال پرشور مردم از نماز به این فکر افتاده که به امر نمازهای جماعت اهتمام بیشتری دهند و شرکت گسترده آنان در سالهای اخیر در نمازهای مسجدالحرام و مسجدالنبی، و اقامه نمازهای جمعه و برپایی نماز جماعت در ظهر عاشورا در ایران، نمونه‌ای از ثمرات و منافع مراسم حج است.

وحدت صفوف مسلمین

بنا به نظر آیات عظام چون امام خمینی و آیهٔ‌اللّه العظمی مکارم شیرازی: ۱- «نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف مسلمین در برابر دشمنان است و در روایات معصومین تأکیدهای بسیاری درباره آن شده است. و حق این است که چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند و اعاده آن لازم نیست و در مسئله وقت و مانند آن از آنها پیروی می‌نماید و در مورد سجده اگر بتواند روی سنگهای کف مسجد سجده می‌کند و اگر نتواند روی فرش سجده می‌کند ولی لازم نیست دست بسته نماز بخواند یا بعد از حمد آمین بگوید». «۲» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۸ ۲- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نباید در ایّام حج و مانند آن تشکیل نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجد الحرام و مسجد النبی بدهند، و چنین نماز جماعتی اشکال دارد. ۳- زوّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب کنند مانند: الف: بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالنبی و صفوف جماعت آنان هنگام اذان یا نزدیک اذان. ب: پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها یا برگشتن با اجناس خریداری شده به سوی کاروانها در چنین ساعات. ج: اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین هنگام نماز جماعت. د: پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عمومی است. ه برخورد خشونت‌آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوّار خانه خدا یا ساکنان مکه و مدینه. خلاصه باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت تأسّی به اهلبیت علیهم السلام از تربیت بالایی برخوردارند و هیچ گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را مضاعف می‌سازد. آیهٔ‌الله العظمی مکارم، مناسک، ص ۱۸۳- ۱۸۴.

هماهنگی در وقت فضیلت نماز

۴- مستحب است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد، یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله با تعقیبات کافی نیست، بلکه معیار همان وقت فضیلت است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۹ وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود. وقت فضیلت نماز عصر از موقعی است که شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود. از نظر آیهٔ‌الله العظمی مکارم وقت فضیلت نماز مغرب از غروب آفتاب است تا ناپدید شدن سرخی مغرب. و وقت فضیلت عشا از موقعی است که سرخی مغرب ناپدید شود تا یک سوم شب. و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع سپیده صبح تا موقعی که هوا روشن شود. آیهٔ‌الله العظمی مکارم، توضیح المسائل، ص ۱۳۶.

بخش ۴: مناسک حج

اشاره

احرام در مکّه وقوف در عرفات وقوف در مشعر اعمال مِنی اعمال مکّه

صورت اجمالی حج تمتع

اشاره

زائران خانه خدا در روز هشتم ذیحجه آماده اعمال حج تمتع می‌شوند: حج تمتع دارای ۱۳ برنامه به شرح زیر است: ۱- احرام در مکه ۲- وقوف در صحرای عرفات ۳- وقوف در مشعر الحرام ۴- رمی جمره عقبه در مِنی ۵- قربانی ۶- تقصیر ۷- طواف به دور کعبه ۸- نماز طواف ۹- سعی بین صفا و مروه ۱۰- طواف نساء ۱۱- نماز طواف نساء ۱۲- ماندن در مِنی شب ۱۱ و ۱۲ ۱۳- رمی جَمَرات.

۱- احرام در مکه

«الْحَجُّ اشْهَرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنَ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ «۱»؛ حج در ماههای معینی است، کسانی که [با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند، باید از امور زیر اجتناب کنند: آمیزش با همسر، دروغ و دشنام و جدال و مشاجره و ...». حجاج در روز هشتم ذیحجه بعد از نماز ظهر در مکه برای حج تمتع محرم می‌شوند، چگونگی بستن احرام و گفتن لبیک و چیزهایی که بر محرم حرام است و کفاره تخلف از محرمات، همان چیزهایی است که در احرام عمره گذشت، مستحب است که زائر در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل محرم شود.

۲- وقوف در عرفات

اشاره

«فَاذا افَضْتُم مِنْ عَرَفات؛ هنگامی که از صحرای عرفات کوچ کردید ...». حجاج بیت‌الله الحرام در روز عرفه (روز شناخت). از حج خانه خدا برای حج خدای خانه به صحرای عرفات می‌روند، باشد که در آن صحرای بی‌بنا و طبیعت اصیل صاحب خانه را بشناسند و خود را از ظواهر و ظروف به عرفان و شناخت محتوی، معانی و مفاهیم دین برسانند. حجاج از ظهر تا غروب روز نهم ذیحجه در صحرای عرفات در نقش آدم و حوای دور شده از جوار خدا با نشستی روحانی متوجه گناهان و دوری خود از خدا شده و با توبه واقعی به سوی خدا باز می‌گردند و منظره قیامت و اجتماع خلایق را در محشر به نمایش در می‌آورند.

معرفت و شناخت در عرفات

از جمله اعمال مستحب این روز که ما را به شناخت خدا و عرفان می‌رساند خواندن ده آیه اول سوره بقره و آیةالکرسی و سوره‌های توحید، فلق و ناس و آیات آخر سوره حشر و آیات ۵۵- ۵۷ سوره اعراف است. «انَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ ایَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ، یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیْثاً و الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ الا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِیْنَ؛ پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را طی شش روز (دوره) بیافرید، سپس بر عرش قرار گرفت با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و همچنین خورشید و ماه و ستارگان که تحت فرمان او هستند. آری آفرینش و تدبیر (جهان) به فرمان اوست». «۱»

ملکوت آسمانها و زمین

در غروب روز عرفه و شب مشعر الحرام خداوند همان تابلوی غروب آفتاب و طلوع ماه و ستارگان را که برای شناخت خود به حضرت ابراهیم علیه السلام ارائه داده بود، در معرض تماشای حجاج قرار می‌دهد تا با مشاهده افول و غروب این اجرام پی به ملکوت آسمانها و زمین برده، و دریابند که خداوند از همه نقصهای افول‌کنندگانِ حادث منزه بوده، همیشگی است و هیچگاه بندگان خود را تنها نمی‌گذارد و همواره مؤمنان را از تاریکیها به سوی نور می‌برد، نوری که در آن ظلمت نیست، هرگز افول و غروب نمی‌کند و هرگز نمی‌میرد و نیازی به شریک ندارد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۷۷ «وَ کَذَلِکَ نُرِیَ مَلَکُوتُ السَّمَواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِیَکُونَ مِن الْمُوقِنِینَ «۱»؛ و این چنین ملکوت [و حکومت مطلقه الهی بر] آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد». آنچه تغیّر نپذیرد تویی وآنکه نمرده است و نمیرد تویی ما همه فانی و بقا بس تراست ملک تعالی و تقدّس تراست خاک به فرمان تو دارد سکون قُبّه خضرا تو کنی بیستون عقد پرستش ز تو گیرد نظام جز تو بَرِ هست پرستش حرام نظامی دعای عرفه امام حسین علیه السلام نیز بهترین وسیله برای عرفان و شناخت حقتعالی در روز عرفه است.

۳- وقوف در مشعر الحرام

«فَاذا افَضْتُمْ مِنْ عَرَفات فَاذْکُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ «۱»؛ چون از عرفات [به صحرای مشعر الحرام کوچ کردید، خدای را در مشعر یاد کنید». حجاج پس از غروب آفتاب، از عرفات رهسپار مشعر الحرام می‌شوند و همچون حضرت ابراهیم علیه السلام با مطالعه ماه و ستارگان شب‌افروز به یاد خدا می‌پردازند «وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هَذَا باطِلًا؛ و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای». مقدار رکن در وقوف مشعر میان طلوع فجر و طلوع خورشید به مقداری است که بتوان آنرا توقف نامید.

۴- رمی جمره عقبه

اشاره

«ثُمَّ افیضُوا مِنْ حَیْثُ افاضَ النَّاس؛ آنگاه از همانجا که مردم باز می‌گردند [به سوی منی بازگردید». به محض طلوع آفتاب روز دهم سیل حجاج برای نبرد با شیطان به سوی منی سرازیر می‌شوند و هر دسته که با جمره عقبه (سمبل شیطان بزرگ) مواجه می‌شوند، با هفت سنگریزه آن را سنگباران می‌کنند. از نظر آیةالله العظمی مکارم: «رمی جمرات (پرتاب سنگریزه به ستونهای سه‌گانه در منی) در طبقه بالا هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد و کسانی که روز نمی‌توانند رمی کنند شب قبل یا بعد از آن می‌توانند رمی کنند.» مناسک حج: ۱۷۷.

درسی از جمرات

پوشیده شدن ستونهای جمرات از سنگریزه‌ها به مسلمانان می‌آموزد که اظهار تنفر و انزجار از شیطان و بدیها و نهی از منکر هرچند به اندازه چند سنگریزه کوچک باشد ولی اگر همگانی و توأم با اتفاق و اتحاد باشد می‌تواند بزرگترین دشمن را محو و نابود سازد.

۵- قربانی

اشاره

وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ «۱» پنجمین عمل حج تمتع قربانی است که تفصیل آن در بخش پنجم خواهد آمد. این عمل در نقش قربانی کردن حضرت ابراهیم و اسماعیل وسیله تقرب و نزدیک شدن به خداست همچنانکه رمی جمرات وسیله‌ای برای دور کردن شیاطین.

با ابراهیم علیه السلام در قربانگاه

وَ قالَ انّی ذاهِبٌ الی رَبّی سَیَهْدِیْنِ، رَبِّ هَبْ لِی مِنَ الصَّالِحینَ، فَبَشَّرْناهُ بِغُلام حَلیم فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْیَ قالَ یا بُنَیَّ! انّی اری فِی الْمَنامِ انّی اذْبَحُکَ فَانْظُر ماذا تَرَی؟ قالَ یا ابَتِ افْعَل ما تُؤمَر سَتَجِدُنِی انْشاءَاللَّهُ مِنَ الصَّابِرینَ. فَلَمَّا اسْلَماه وَ تَلَّهُ لِلْجَبین وَ نادَیْنا انْ یا ابْراهِیمُ! قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْیا انَّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ، انَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلاءُ الْمُبین. وَ فَدَیْناهُ بِذِبْحٍ عَظِیْمٍ «۲» حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگام مهاجرت از سرزمین شرک و ستاره‌پرستی به سوی خدا و سرزمینهای مقدّس، از خداوند خواست که به او فرزندی شایسته دهد و خداوند او را به نوجوانی حلیم و بردبار بشارت داد. فَبَشِّرْناهُ بِغُلامٍ حَلیم. این پسر همان اسماعیل بود که در دیگر آیات وی را از صالحین و صابرین و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۱ صدیق خوانده است. «۱» چون به سن بلوغ رسید و با پدر به سعی و عبادت پرداخت، خداوند برای امتحان در خواب به پدرش فرمان داد که وی را در راه خدا قربانی کند. گفته می‌شود که ابراهیم ابتدا در شب هشتم ذیحجه این خواب را دید و سپس در شب عرفه و شب عید قربان این خواب تکرار شد. حضرت ابراهیم خوابش را با فرزندش در میان گذاشت: - فرزندم! چند شب است که در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، نظرت چیست؟ اسماعیل که از پدر درس صبر و حلم و رضا و تسلیم در برابر حق را آموخته بود گفت: - ای پدر! هرچه زودتر مأموریت خود را اجرا کن که انشاءالله مرا از صابران خواهی یافت. و آنگاه هر دو به سوی کوه ثبیر در شمال مکه رهسپار شدند تا به تلّ یعنی ارتفاع مشرف به مسجد مِنی رسیدند. مسجد مِنی در کنار جمرات که به آن مسجد خیف گفته می‌شود (خیف به معنای بلندیهای مشرف بر سیل) «۲» همان جائی است که ابراهیم علیه السلام پیشانی فرزندش را بر صخره‌ها نهاد و کارد بر گلوی وی گذاشت و آنرا به حرکت درآورد و فشار داد، اما هرچه کرد تیغ نبرید. و چون آن دو فرمان خدا را گردن نهادند و ابراهیم فرزند را تسلیم کرد و اسماعیل جان را، خداوند ابراهیم علیه السلام را ندا در داد: «یا ابْراهِیمَ! قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْیا، انَّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنینَ؛ ای ابراهیم! به درستی که راست کردی خوابی که دیده بودی، و مأموریتت را انجام دادی و ما این چنین نیکوکاران را که تسلیم فرمان ما هستند و حاضرند در راه ما از جان خود و عزیزترین فرزند خود بگذرند پاداش می‌دهیم». آن توکّل تو خلیلانه تو را تا نبرد تیغت اسماعیل را البته این یک آزمایش مهم و آشکاری بود که این دو دوست الهی به بهترین وجه از عهده آن برآمدند و چقدر گران است برای پدری که یک عمر از داشتن فرزند محروم بوده و از خدا فرزند صالحی خواسته و اکنون که پس از یک عمر انتظار صاحب فرزند صالح گشته و این فرزند به سنّ جوانی و شکوفایی رسیده و یار و یاور و عصای دست پدر در این سنین پیری شده، اکنون در راه دوست اینچنین او را قربانی کند. همچنین چقدر مهم است برای جوانی، که بر روی آنهمه هوی و هوس و آمال و آرزو پا بگذارد و حاضر شود، با پای خود به قربانگاه برود و جان خود را تسلیم خدا کند.

با دو ذریه ابراهیم علیه السلام در قربانگاه

خداوند همین امتحانی را که از حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام بعمل آورد در مورد دو ذریه آنها یعنی بنی‌اسرائیل و بنی‌اسماعیل نیز تکرار کرد: وقتی حضرت موسی علیه السلام بنی‌اسرائیل را از مصر به سرزمین موعود مهاجرت داد،

آنها را در دروازه سرزمین موعود در بوته امتحان قرار داد و از آنها خواست که به جهاد با طاغوتیان آن سرزمین برخیزند و با یاری خداوند آن سرزمین را که به حضرت ابراهیم وعده داده بود، به دست آورند، امّا آنها که به وعده خدا ایمان نداشتند و جان خود را بیشتر از خدا دوست می‌داشتند، از رفتن به جنگ امتناع ورزیدند و به موسی گفتند: اذْهَبْ انْتَ وَ رَبُّکَ فَقاتِلا انَّا هَیهُنا قَاعِدُونَ (تو و پروردگارت به راه افتید و با آنان نبرد کنید، ما همین جا نشسته‌ایم) «۱» و چون خداوند چهل سال آنها را از سرزمین موعود محروم ساخت. «۲» بنا به نقل تورات سفر اعداد ۱۴: ۴۰: «بامدادان به سر کوه آمدند و گفتند: اینک ما حاضریم که به جنگ برویم (و جان خود را در راه خدا قربانی کنیم امّا دیگر خداوند از آنان نپذیرفت) موسی گفت: بروید که خداوند در میان شما نیست و شکست خواهید خورد». خداوند همین آزمون را در حدیبیه- نزدیک سرزمین مکه- از بنی اسماعیل و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۳ مسلمانان نیز به عمل آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچون حضرت ابراهیم علیه السلام به دنبال خوابی که می‌بیند همراه با ۱۴۰۰ تن از افراد با ایمان و از خودگذشته به سوی مکه حرکت می‌کنند و چون به حدیبیه در نزدیکی مکه می‌رسند، آن افراد از صمیم قلب با پیامبر بیعت می‌کنند و با خدا پیمان می‌بندند که جان خود را در راه خدا تسلیم کنند و به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند: «ما بر خلاف بنی‌اسرائیل می‌گوئیم ای پیامبر! تو و پروردگارت بروید و با اهالی مشرک مکه بجنگید و ما هم تا آخرین نفس با شما خواهیم بود». «۱» و خداوند در برابر این قربانی و ایثار صادقانه هم سکینه و آرامش خود را بر آنان می‌فرستد و هم پیروزی قریب‌الوقوع و فتح سرزمین مکه و سرزمینهایی که خداوند به ذریه صالح حضرت ابراهیم علیه السلام وعده داده بود. «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤیا بِالْحَقِّ لَتَدْخِلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامِ انْشاءَاللَّهُ آمِنِینَ مُحَلِّقینَ رُؤُسَکُمْ وَ مُقَصِّرِیْنَ لا تَخافُونَ فَعَلِمَ ما لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذلِکَ فَتْحاً قَرِیَباً؛ خداوند رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که اگر خدا بخواهد حتماً به ایمنی به مسجدالحرام درخواهید آمد در آن حال که سر تراشیده و مو سترده‌اید و هراسی ندارید، خدا چیزی دانست که شما نمی‌دانستید و پیش از این فتحی نزدیک مقرر کرد». «۲»

۶- حلق و تقصیر

حجاج به سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (مُحَلِّقینَ رُؤسَکُمْ وَ مُقَصِّرینَ) مراسم حلق و تقصیر را بجا می‌آورند. مردانی که سال اول آنهاست (بنا به احتیاط واجب از نظر بیشتر مراجع عظام و بنا به احتیاط مستحب از نظر آیةالله خویی) مراسم حلق (سرتراشی) را انجام می‌دهند و مقلدین آیةالله مکارم مخیر بین حلق و تقصیرند و سرتراشیدن بر ایشان معین نیست. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۴ و مردانی که سال اولشان نیست مخیر بین حلق وتقصیرند و از نظر آیةالله مکارم کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست یا سر می‌تراشند و یا از مو و ناخن قدری کوتاه می‌کنند. بانوان فقط به عمل تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن) می‌پردازند و سر را نمی‌تراشند.

۷- ۱۱. اعمال مکه

اشاره

آنگاه حجاج، اعمال مکه یعنی طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء را به صورتی که در عمره گفته شد، بجا می‌آورند.

عیدی و عطایای الهی به خاندان ابراهیم علیه السلام

«انَّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمحْسِنینَ؛ ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». ابراهیم و اسماعیل در برابر آنهمه ایمان و ایثار، رضا و تسلیم، صداقت و راستی در راه دوستی با خدا عیدی و پاداشهای عظیمی از خداوند دریافت می‌دارند، پاداشی به عظمت جهان، و به وسعت طول زمان همراه با سلام و درود خدا: ۱- بازداشتن تیغ از بریدن گلوی اسماعیل و حیات دوباره وی «قَد صَدَّقْتَ الرُّؤیا انَّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمحْسِنِیْنَ». ۲- فرستادن ذبح عظیم فدای اسماعیل «وَ فَدَیْناهُ بِذِبْحٍ عَظیم». ۳- جاودانه ساختن نام و سنّت ابراهیم در امّتهای آینده «وَ تَرَکْنا عَلَیْهِ فِی الْآخِرین». ۴- ارسال سلام و درود بر ابراهیم و خاندانش «سَلامٌ عَلی ابْراهِیمْ، کَذلِکَ نَجْزِی الْمحْسِنینْ». ۵- بشارت به فرزندی دیگر به نام اسحق، فرزندی صالح از تبار پیامبران «وَ بَشَّرْناهُ بِاسْحقَ نَبِیَّاً مِنَ الصَّالِحینَ». پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۵ ۶- اعطاء برکت و فزونی به دودمان او و اسحاق، «وَ بارَکْنا عَلَیْهِ و عَلی اسْحاقِ» «۱» ۷- اعطای مقام امامت و وراثت زمین به وی و ذریّه صالحش «قالَ: انّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ امَاماً» «۲»

۱۲- ماندن شبهای یازدهم و دوازدهم در منی

حجاج پس از اعمال مکه به منی باز می‌گردند تا شبهای یازدهم و دوازدهم از غروب تا نیمه شب در آنجا بمانند از نظر آیةالله العظمی مکارم ماندن نیمه اول شب یا نیمه دوم کافی است.

۱۳- رمی جمرات

اشاره

آخرین عمل حج تمتع پرتاب سنگریزه به جمرات سه گانه در منی است که حجاج در روزهایی که شب قبلش را در منی گذرانده‌اند، این سه جمره را که به ترتیب آنها را جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه می‌نامند، هدف قرار می‌دهند.

رمی شیطان

در آن هنگام که حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خداوند فرزندش را می‌برد تا بر فراز تل منی قربانی کند، شیطان به تلاش افتاد تا در این آزمون بزرگ الهی جلوی موفقیت و پیروزی خاندان ابراهیم را بگیرد. ابتدا به سراغ مادر اسماعیل می‌رود تا به وسیله احساسات مادری، پدر و پسر را از اجرای فرمان لهی باز دارد: - آیا خبر داری که ابراهیم اسماعیل را می‌برد تا او را بکشد؟ - دور شو ای شیطان که ابراهیم مهربانتر از آن است که فرزند صالح خود را بکشد. او ادعا می‌کند که دستور خداست. اگر فرمان خدا باشد، راضی و تسلیم فرمان خدا هستیم. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۶ شیطان وقتی از سوی هاجر رانده شد، به سوی فرزند آمد تا با دردناک جلوه دادن مرگ او را از نیمه راه باز گرداند. ولی اسماعیل، با ایمان محکمی که داشت او را سخت از خود براند که این مرگ چون فرمان خداست، شهادتی شیرین و گوارا خواهد بود رَضِیْنَا بِحُکْمِ اللَّهِ وَ سَلَّمْناهُ لِامْرِهِ. و چون شیطان از مادر و پسر رانده شد، به سوی پدر آمد تا با القای شک و شبهه او را از ادامه راه باز دارد. - شنیده‌ام که شیطان تو را در خواب واداشته تا دست به گناه بزرگی زده مرتکب قتل فرزند شوی! ابراهیم علیه السلام بدانست که او شیطان وسوسه‌گر است، فریاد بر او زد: - دور شو ای دشمن خدا! گفته می‌شود ابراهیم بر سر راه خود به قربانگاه در سه محل شیطان بر وی ظاهر شد، یکی به محل جمره اولی و دیگری به محل جمره وسطی و سومی به محل جمره عقبه، و ابراهیم در هر سه نقطه با پرتاب هفت سنگ او را از خود براند «۱» و از آن زمان این رسم از جمله مناسک و اعمال واجب حج بوده و مستحب است به هنگام پرتاب سنگ به جمرات گفته شود: اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطان (خداوندا شیطان را از من دور گردان). در حدیث دیگری آمده است: ابراهیم علیه السلام نخست به

«مشعر الحرام» آمد تا پسر را قربانی کند، شیطان به دنبال او آمد، ابراهیم هفت سنگ به او پرتاب کرد، هنگامی که به جمره دوم رسید باز شیطان را مشاهده نمود، هفت سنگ دیگر بر او انداخت تا به «جمره عقبه» آمد هفت سنگ دیگر بر او زد «۲» (و او را برای همیشه از خود مأیوس ساخت). و این نشان می‌دهد که وسوسه‌های شیاطین در میدانهای بزرگ امتحان نه از یک سو که از جهات مختلف صورت می‌گیرد. هر زمان به رنگی و از طریقی مردان خدا باید ابراهیم‌وار شیاطین را در همه چهره‌ها بشناسند و از هر طریق وارد شوند راه را بر آنها ببندند و سنگسارشان کنند، و چه درس بزرگی؟! «۳»

تکبیر جبرئیل، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

هنگامی که این پدر و پسر از عهده این امتحان بزرگ برآمدند، جبرئیل با صدای بلند تکبیر گفت: – اللَّهُ اکْبَرُ، اللَّهُ اکْبَرُ! ... و فرزند ابراهیم چنین تکبیر سر داد: – لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ! ... و پدر فداکار نیز چنین گفت: – اللَّهُ اکْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ.» و این شبیه تکبیراتی است که ما روز عید قربان می‌گوئیم. و حجاج با تکرار این تکبیرها بعد از ۱۵ نماز که نخستین آن نماز ظهر روز عید است، خاطره پیروزی ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را در آن میدان بزرگ آزمایش در نظرها زنده می‌کنند! *** آنگاه خداوند قوچی بزرگ فرستاد تا ابراهیم علیه السلام آنرا به جای پسرش قربانی کند و سنتی برای آیندگان در مراسم حج و سرزمین مِنی «وَ فَدَیْناهُ بِذِبْحٍ عَظیم؛ و ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم». یکی از نشانه‌های عظمت این ذبح به تعبیر آیةالله العظمی مکارم آن است که با گذشت زمان سال به سال وسعت بیشتری یافته و هر سال چند میلیون به یاد آن ذبح عظیم ذبح می‌کنند و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارند. «۲»

فلسفه قربانی از دیدگاه آیةالله العظمی مکارم شیرازی

از دیدگاه آیةالله العظمی مکارم شیرازی، سفر حج در حقیقت یک هجرت بزرگ است، یک سفر الهی است، یک میدان گسترده خودسازی و جهاد اکبر است. مراسم حج در واقع عبادتی را نشان می‌دهد که عمیقاً با خاطره مجاهدات ابراهیم و فرزندش اسماعیل و همسرش آمیخته است، و ما اگر در مطالعات در مورد اسرار حج از این نکته غفلت کنیم بسیاری از مراسم آن به صورت معما در می‌آید، آری کلید حل این معما توجه به این آمیختگی عمیق است. هنگامی که در قربانگاه در سرزمین منی می‌آئیم تعجب می‌کنیم، این همه قربانی برای چیست؟ اصولًا مگر ذبح حیوان می‌تواند حلقه‌ای از مجموعه یک عبادت باشد؟! اما هنگامی که مسئله قربانی ابراهیم را به خاطر می‌آوریم که عزیزترین عزیزانش در شیرین‌ترین ثمره عمرش را در این میدان در راه خدا ایثار کرد و بعداً سنتی به عنوان قربانی در منی به وجود آمد، به فلسفه این کار پی می‌بریم. قربانی کردن رمز گذشت از همه چیز در راه معبود است، قربانی کردن مظهری است برای تهی نمودن قلب از غیر یاد خدا، و هنگامی می‌توان از این مناسک بهره تربیتی کافی گرفت که تمام صحنه ذبح اسماعیل و روحیات این پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود و آن روحیات در وجود انسان پرتوافکن گردد. متأسفانه مراسم قربانی در عصر و زمان ما به شکل نامطلوبی درآمده که باید علمای اسلام در نجات آن بکوشند. «۱» تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۵.

بخش ۵: مَنْسَک حج

اشاره

منسک یا مراسم قربانی رابطه ذبح حیوان با قرب و شکر خدا منسک در امم پیشین قربانی در اسلام وضعیت مستحدثه قربانی در

عصر ما راه حل فقها فتوای آیةالله العظمی مکارم شیرازی و دلائل این فتوا

مَنْسک یا مراسم قربانی

«وَ لِکُلِّ امَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً لِیَذْکُروا اسْمَ اللَّهَ عَلی ما رَزَقَهُم مِنْ بَهیمَةِ الْأَنْعامِ «۱»؛ و برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خـدا را به هنگام قربانی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده‌ایم ببرنـد». نُسُک به معنای «عبادت» و ناسک به معنای «عابد» و مناسک حج یعنی پایگاههـایی که مراسم حـج در آنجا انجام می‌شود و به خود اعمال حـج نیز مناسک گفته می‌شود. «۲» و مَنْسـک بر وزن منصب در خصوص قربـانی که یکی از عبادات است به کار می‌رود هرچنـد که مفهوم آن عام است، اما در آیه فوق به قرینه «لِیَذْکُروا اسْمَ اللَّهِ عَلی ما رَزَقَهُم مِنْ بَهیمَةِ الْأَنْعامِ؛ تا نام خدا را بر چهارپایانی که به آنها روزی داده‌ایم ببرند». به معنای خصوص قربانی است. «۳» ذبح حیوانـات خوراکی بـا نام خـدا و خوردن آن در راه خـدا و اطعام به فقرا و نیازمنـدان و تقسـیم شادی‌های خود با فقرا و مسـتمندان با تقسـیم گوشت قربـانی در عیـد قربـان، وسـیله‌ای است برای تقرب و نزدیـک شـدن به خـدا و از این رو به آن قربـانی گفته می‌شود. همچنانکه وسیله‌ای است برای یاد خدا و شکر نعمات خدا و نزدیک شدن دلهای بندگان خدا به یکدیگر.

رابطه قربانی با قرب و شکر خدا

«وَ الْبُدْنَ جَعَلْناهـا لَکُمْ مِنْ شَـعائِرِ اللَّهِ لَکُم فیهـا خَیْرٌ فَـاذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَیْهـا صَوَافَّ، فَـاذا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَکُلُوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْقانِعْ وَ الْمُعْتَرْ کَذلِکَ سَخَّرْناها لَکُم لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ؛ «۴» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۲ و شترهای فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آنهـا برای شـما خیر و برکت است، نام خـدا را (هنگام قربانی کردن آنها) در حالی که به صف ایسـتاده‌اند ببرید هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را در تسـخیر و دسترس شـما قرار دادیم باشـد که شـکر خدا را بجا آورید». همانطور که میزبان برای نشاندن مهر و محبت خود در دل میهمان، برایش غـذاهای خوب تدارک می‌بیند و مرتب از او می‌خواهد که از غذایی که با دست خود تهیه کرده تناول کند. حجاج بیت الله الحرام نیز در واقع ضیوف الرحمن هستند و خداوند گوشت گوسفند و گاو و شتر را به عنوان روزی برای پـذیرایی آنان تـدارک دیـده تا بدینوسـیله مهر و محبت خود را در دل آنان بنشاند و آنان را آماده پرسـتش و شـکرگذاری لفظی و قلبی و عملی و پـذیرش تربیتهای الهی گردانـد. از این رو خداوند که کریم‌ترین و مهربان‌ترین میزبانان است بطور مکرر به میهمانان خود می‌فرمایـد: «فَاذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی ایَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُم مِنْ بَهیْمَـةِ الْأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْبآئِسَ الْفَقِیْرَ؛ «۱» و نام خدا را در ایام معینی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است، ببرید و از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام دهید». و باز هم با فاصله کوتاهی دوباره به میهمانان خود می‌فرماید: «فَکُلُوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ کَذلِکَ سَخَّرْنَاهَا لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ «۲»؛ از گوشت آنها بخورید و افراد قانع و فقیران سائل را نیز اطعام کنید، اینچنین ما آنها را در تسـخیر شما قرار دادیم باشد که شکر خدا را به جا آورید». مسلماً وقتی افراد با ایمان، چهارپایان را با نام و یاد خدا ذبح می‌کنند و با نام خدا از آن تناول می‌کنند و به فرمان خدا سهمی از آن را به دوسـتان و سـهمی از آن را به پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۳ بندگان نیازمند تقدیم می‌دارند، در واقع قلب خود و دوسـتان و فقرا را از مهر و محبت خداونـد سیراب می‌سازنـد. بر خلاف آنچه با نام طاغوت و بتان ذبـح می‌شود و طعامی که با نام خدا نبوده و یا به سلامتی طاغوتها می‌نوشند و می‌خورند و به کفر و ناسپاسی می‌پردازند، باعث می‌شود که به جای مهر و محبت خدا قلبشان با مهر و محبت و پرسـتش غیر خدا سـیراب گردد چنانکه خداوند کفرپیشگان بنی‌اسـرائیل که یک عمر بر سر سـفره فرعونیان طاغوتی نشسـته و از گوشت گوساله‌هایی که به نام بتان ذبح شده بود تناول کرده بودند می‌فرماید: «وَ اشْـرِبُوا فی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِکُفْرِهِم؛ «۱» و به سبب کفری که داشتند دلهایشان با مهر و محبت و پرسش گوساله سرشته و سیراب شد».

منسک و قربانی در امم پیشین

اشاره

«وَ لِكُلِّ امَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَكاً لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيْمَةِ الْأَنْعام «۲»؛ و برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را به هنگام قربانی بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند». منسک یا قربانی در علم ادیان و امم پیشین عبارت از گرفتن زندگی موجود زنده‌ای (اعم از انسان، حیوان یا نبات) از راه کشتن و خوردن به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان بوده است. مفهوم «نزدیکی جستن به خدا یا خدایان» در کلمه قربانی (که از ریشه قرب) است و کلمه Sacrifice (ساکریفیس) در زبان اروپایی تقریباً معادل مفهوم کلمه قربانی است و می‌رساند که شئ قربانی شده برای خدایان به وسیله قربانی کردن جنبه قدس و خدایی به خود گرفته است. اما موضوع و مقاصد و کیفیات قربانی در میان ادیان و امم پیشین به اندازه‌ای متنوع است که نمی‌توان همه آنها را به معنی واحد و مشترکی که در کلمات فوق است برگرداند. «۳»

۱- قصد از قربانی در امم پیشین

قصد از قربانی یا تقرب به خدایان گاه این بوده است که از راه قربانی و تقدیس، شئ قربانی شده از نیروی خدائی بهره‌ور شود، و انسان در نتیجه خوردن آن، این قدرت خدایی را به جسم خود بیاورد، و این همان است که در زبانهای اروپایی به آن کمونیون «۱» و مانند آن می‌خوانند، و گاه این بوده است که ضعف بشری را برطرف سازد و بسیاری از اقوام شئ را که بدین منظور قربانی می‌شده است دست نمی‌زدند و بیرون می‌ریختند ایندو منظور اصلی بعدها به صورتهای شکر، نذر، دفع بلا، کفاره یا تقدیس و توبه و اعتراف درآمده است.

۲- اقسام قربانی در امم پیشین

موضوع قربانی به خونی و غیر خونی تقسیم می‌شد، قربانی خونی شامل قربانی انسان، حیوان (مانند قوچ و گاو) می‌شد در یونان قدیم، پرندگان خوراکی و ماهیان نیز به عنوان قربانی ذبح می‌شدند، قربانی انسان برای تقرب به خدا و کفاره گناهان و حاصلخیزی زمین انجام می‌شد. در بسیاری از اقوام، قربانی حیوانات به جای قربانی انسان انجام می‌شود. قربانی غیر خونی شامل شیر، عسل، روغن، شراب و آبجو و آب بود. شراب به عنوان خون انگور و خون زمین برای تقویت خدایان. و آب به عنوان منبع حیات و ماده اصلی موجودات زنده نثار می‌شد. در میان مسیحیان قربانی مقدس «شکرگزاری» «۲» با خوردن از نان و شراب برگزار می‌شود که به نظر آنان نمایش دهنده عمل مسیح در آخرین شام با شاگردانش می‌باشد. بنابر آنچه در انجیل کنونی آمده در این شام مسیح نان را پاره کرد و به آنان داد و گفت: «این است بدن من» و شراب را در پیاله ریخته به ایشان داد و گفت: «این است خون من» «۳» و این در حکم یک قربانی بدون خونریزی است. «۴»

۳- انحراف قربانی در ملل پیشین

قربانی در ملل مختلف دچار انحراف گشته گاه از راه ریختن خون یا شراب با آب و با نثار میوه و سبزی و گل و یا از راه سوزاندن آن یا از راه دفن آن. سوزاندن قربانی در میان یهودیان قدیم و یونانیان مرسوم گردید. شاید غرض از سوزاندن قربانی آن بوده است که بوی سوختگی و دود آن به مشام خدایان آسمانی برسد. و دفن قربانی برای جلب نظر و تقرب به خدایان زیرزمینی بوده است. نحوه کشتن قربانی در درجه دوم اهمیت بوده است اما در بعضی از ادیان و اقوام دیگر در درجه اول. در دنیای بت‌پرستی، جان

قربانی را می گرفتنـد و زراعت را آتش می‌زدند و در دیانت مکزیک قدیم ذبح بشـر مظهر عبادت بود. «۱» در یونان به وسیله قربانی و خوردن گوشت و نوشیدن خون بزغاله یا گوساله به آنها وجد و شوقی دست می‌داده که آنرا نشانه اتصال معنوی و مقدس با خدا می‌دانسته‌اند. «۲» یونانیان معتقد بودند که ابنای بشر باید مراسم قربانی بجا آورند وگرنه مستوجب خشم خدایان معنوی واقع خواهند گردید. «۳» بابلیها به قصد آنکه از برکات و نعمات زندگی بهره‌ور گردند به وسیله قربانی توسل می‌جستند «۴» در روم کشاورزان و افراد خانواده با خوکی و گوسفندی و گاو نر که برای قربانی آماده می کردند سه بار به دور مزرعه خود طواف می‌نمودند، و آنگاه قربانی خود را به خـدایان پیشـکش می کردنـد و در شـهر رم در معبد مارس در برابر مذبحی که مقام خداوند بود تشـریفاتی به عمل می‌آوردند. «۵» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۶ اقوام سلت در اروپا برای حق‌شناسی و شکرگزاری و فراوانی محصول، نباتـات و حیوان و انسـان قربـانی می کردنـد. برای قربـانی کردن انسان گاهی زنان و کودکان خردسال و گاهی از اسـرای جنگی، به پیشوایان دینی تسـلیم می کردند. «۱» پیروان آئین برهمنیزم در هنـد بـا ادای نمـاز و تلاـوت دعـا و تقـدیم قربانی‌ها از آن عالم یاری می‌جستند «۲» و پیروان زرتشت هـدایا و قربانیهـایی از گوشت حیوانات نثار روانهای بهشتی و آله غیبی می کردنـد. «۳» کنعانیان، در هر شـهری مذبح و محرابی به نام بعل همان شـهر برافراشـته بودند و اولین میوه نوبر درخت یا گوشت اولین حیوان نوزاد که جسد او را بر فراز مذبح می‌سوزاندند و مراسم عشای ربانی که در آن عابد و معبود یعنی خدای بعل با پرسـتندگان خود متحد شده و مراسـم قربانی را به عمل می‌آوردند. «۴»

هدف قربانی در ادیان جهان:

بنـابر آنچه در دائرهٔ المعـارف ادیـان آمـده است: تصور می‌رود غـذای تهیه شـده از قربـانی، گویی غـذایی است که همراه با خـدا و دریافت کننـده قربانی صـرف می گردد. و قبولی قربانی و نـذر از سوی خدا به آن قداست و ارزش معنوی می‌بخشد و خدا و گیرنده قربانی میزبان می گردد که با قربانی کننـده، غذای تهیه شده از آن را صـرف می کند. و موجب رفع کدورت میان قربانی کنندگان و مصرف‌کنندگان می‌شود. بعضی از مردم یونان عقیده دارند که آنها خود خدا را در قالب گوشت و خون قربانی تناول کرده‌اند. «۵».

قربانی در اسلام

اشاره

قربانی در اسـلام یا هَدْی است که در حـج تمتع واجب است، یا اضْحیه مسـتحب در روز عیـد اضـحی است یا برای کفاره ارتکاب محرمات احرام یا برای وفای به نذر. مقداد سیوری می‌نویسد: ظاهر روایات و فتاوی اشاره به قسمت کردن قربانی به سه بخش دارند این تقسـیم را در بعضـی روایات واجب و در بعضی روایات مستحب دانسته‌اند: یک قسمت را خود می‌خورد و یک قسمت را هدیه می کند و یک قسـمت را به فقرا تقدیم می‌دارد. «۱» همانطور که گفته شـد خداونـد مانند میزبانی کریم و مهربان مرتب به میهمانان خود می‌فرماید: فَکُلُوا مِنْها (از این گوشتهای قربانی میل کنید) باشد که: قلب میهمانان را از مهر و محبت خود سیراب کند. میهمانان آمادگی برای پرسـتش و شـکر قلبی، لفظی و عملی بنمایند لَعَلَّکُمْ تَشْـکُرُون به یاد و ذکر خدا باشـند لِیَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیْمَهِٔ الْأَنْعامِ تسلیم فرمان خدای واحد گردند: فَالْهُکَ الهٌ واحِدٌ فَلَهُ اسْلِمُو و بَشِّرِ الْمُخْبِتِیْنَ. و باشد که خدا را به خاطر هدایتهایش بزرگ بشـمارند. کَذلِکَ سَـخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ. با اهـداء بخشـی از قربانی، به دوسـتان: وَ اطْعِمُوا الْقانِعَ، در زمره نیکوکاران درآید وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنینَ. و با اعطای بخشی از قربانی به فقرا و مستمندان: «وَ اطْعِمُوا الْبائسَ الفَقِیْر» طعام و شادی خود را با آنـان تقسـیم کننـد و در جـامعه مساوات و برادری و مهر و محبت پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۸ برقرار گردد و این

انفـاق خود بهترین وسـیله صـفای قلبهـا و نزدیـک شـدن به خـداست. در اسـلام سایر مقاصـدی که در ادیان شـرک و بت‌پرستی و یا تحریف شده آمده که قربانی را می‌سوزاندند یا دفن می‌کردند تا بو یا گوشت یا خون آن به خدایان برسد، به شدّت نفی شده است و قرآن صـریحاً می‌فرمایـد: «لَنْ یَنـالَ اللَّهَ لُحُومُهـا وَ لا دِماؤُها وَ لَکِن یَنَالُهُ التَّقْوَی مِنْکُم «۱»؛ «هرگز نه گوشـتها و نه خونهـای آنان به خدا نمی‌رسد، آنچه به او می‌رسد تقوا و پرهیزگاری شـماست». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّةالوداع خود به قربانگاه رفتند و مقـداری از قربانیها را خود ذبـح کردند و بقیه را به علی علیه السـلام دادند تا ذبح کند، آنگاه مقداری از گوشت هر کدام را طبخ کرده بخوردند و آبش را سرکشیدند. «۲» علی علیه السـلام می‌فرمایند: من به دسـتور پیامبر صـلی الله علیه و آله گوشتهای قربانی و حتی پوستهای آنها را میان فقرا تقسیم کردم «۳» فَأَمَرَنِی فَقَسَّمْتُ لُحُومَها ثُمَّ امَرَنِی فَقَسَّمْتُ جَلالَها وَ جُلُودَها

۱- محل ذبح در منی

اشاره

«وَ لاـ تَحْلِقُوا رُؤُسَـکُم حَتّی یَبْلَغَ الْهَـدْیُ مَحِلَّه»؛ و سـرتان را نتراشـید تـا اینکه قربانی به محل آن (منی) برسـد». در میان فقها، خلافی نیست که محـل قربـانی منی است و آیه فوق دلیل بر آن است که قربانی کردن محل خاص و معهودی دارد که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جـایی جز منی نبـوده است. و دلیـل دیگر آن روایـاتی چون روایت امـام صـادق علیه السـلام است پرشـکوه‌ترین مراسم عبـادت و قربـانی، ص: ۹۹ راجع بـه کسـی که قربـانیش را گم کرده و دیگری آن را پیـدا کرده و ذبـح کرده بـود، حضـرت فرمودنـد: «انْ کـانَ نَحْرُهُ بِمِنی فَقَدْ أَجْزَأ عَنْ صاحِبِهِ الَّذِی ضَلَّ عَنْهُ وَ ان کانَ نَحْرُهُ فِی غَیْرِ مِنی لَمْ یُجزء عَنْ صاحِبِه؛ «۱» اگر در منی قربـانی را از طرف صـاحبش که آنرا گم کرده نحر کرده کفایت می‌کنـد و اگر آنرا در غیر منی از سوی صاحبش نحر کرده مجزی نیست». و سیره قطعی که نسل به نسل به ما رسـیده که در منی ذبح می‌کرده‌اند بهترین دلیل بر آن است. «۲» وجه تسمیه هَدْی هَدْی بر وزن فَلْس در هفت جای قرآن به کار رفته که همه راجع به قربانی حـج و عمره است. واحـد آن هـدیه است و در وجه کاربرد آن در قربانی گفته شـده که چون حجّاج شتر، گاو یا گوسـفندی به خانه خـدا هدیه می‌کنند تا به خدا نزدیک گردند و بعضـی در وجه تسمیه آن گفته‌اند که چون قربانی به محل آن (منی) سوق داده می‌شود به آن هدی می‌گویند. «۳»

ب. کیفیت قربانی در اسلام

«وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ لَکُمْ فِیْها خَیْرٌ «۱»؛ و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آنها برای شما خیر و برکت است». بُدن بر وزن قُدس جمع بَدَنِه بر وزن عجله به معنای شتر بزرگ و چاق و گوشت‌دار است و از آنجایی که چنین حیوانی برای مراسم قربانی و اطعام فقراء و نیازمندان مناسبتر است مخصوصاً روی آن تکیه شده است «۲» و می‌فرماید: برای شما در چنین حیوانـاتی خیر و برکت است (لَکُمْ فِیهـا خَیْرٌ). هرچنـد که فربه بودن از شـرائط الزامی قربـانی نیست، امّـا از آن‌جـا که خـداوند می‌فرماید: وَ انْفِقُوا مِمّا تُحِبُّون (از آن‌چه را که دوست دارید انفاق کنید)، مسلماً هرچه قربانی سالم‌تر و بزرگ و گوشت‌دارتر باشد، دوست‌داشـتنی‌تر است و ایثار آن مایه قرب بیشتر به خدا خواهد بود. از این رو در مناسک مراجع تقلید آمده که قربانی باید صـحیح و سـالم بوده نه کمسـال باشـد و نه پیر و فرتوت، تام الاجزاء بوده، ناقص و لاغر نباشـد. «۳» در شـرائط کنونی بیشتر گوسفندان را از سومالی و قسـمتی را از استرالیا و زلانـد نو می‌آورند «۴» در بازدیدی که نویسنده خود از آغلهای مکّه داشت؛ گوسـفندان سومالی پرورشـی و دارای کیفیت پائینی و اغلب کوفته و اخته شده است امّا گوسـفندان استرالیا و زلاند نو، بسیاری از آنها گوسفندانی است که برای پشـمش پرورش داده می‌شـود و گوشـتش خـوراکی نیست و در خـارج به عنوان کود از آن پرشـکوه‌ترین مراسم عبـادت و

قربانی، ص: ۱۰۱ استفاده می‌کنند. شرکتهای خارجی این گوسفندان کم‌ارزش را با قیمت گرانی دست کم دو برابر قیمت گوسفند خوب در ایران) به حجاج می‌فروشند. و حجاج به جای اینکه شاهد منافع خویش باشند: لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، باید شاهد منافع شرکتهای خارجی و زیانهای خویش باشند. عاری بودن قربانی از کیفیت مورد نظر شارع محروم بودن حجاج، و میهمانان و فقرا از گوشت قربانی رفتن آن همه ارز به جیب شرکتهای خارجی اعتراف برخی از مقامات سعودی و مشاهدات عینی نویسنده و ارقام و آمار بانک توسعه اسلامی عربستان بهترین گواهی این مدعاست. کارشناس حج و زیارت در گزارشی می‌نویسد: «به شهادت اکثر قریب به اتفاق افرادی که در هر دو کشتارگاه گوسفند خریده و ذبح کرده‌اند گوسفندان خریداری شده توسط بانک توسعه اسلامی با اینکه از نظر کیفیت حداقل ۴۰ درصد بهتر است از نظر قیمت به طور متوسط ۷۰ ریال سعودی ارزانتر از گوسفندان قربانگاههای آزاد است. افزون بر اینکه قیمت گوسفند در بانک اسلامی شامل پول ذبح و انجماد و بسته‌بندی و ارسال به کشورهای محروم، در حدود ۳۵۰ ریال سعودی و قیمت گوسفند آزاد در سایر قربانگاهها با بیش از ۴۰ درصد نامرغوب بودن بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ ریال سعودی است که گاهی تا ۵۰۰ ریال هم می‌رسد، بدون پول ذبح کننده و سایر مخارج. «۱»»

ج. تقسیم قربانی

«فَكُلُوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيْر «۱»؛ از آن بخورید و بینوای فقیر را اطعام دهید». «فَكُلوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَ «۲»؛ از آن بخورید و افراد قانع و فقیران سائل را اطعام کنید». این دو آیه مشترکاً بر وجوب خوردن حاجی از قربانی دلالت دارد و اولی بر وجوب اطعام بر فقیر بینوا و دومی بر وجوب اطعام قانع (کسی که به آنچه به وی می‌دهند قانع است) و معتر (عبور کننده‌ای که انتظار دارد اطعامش کنند) دلالت دارند. و از آنجا که در مفهوم قانع و معتر عنوان فقیر نیست، از مجموع دو آیه فوق، پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۳ لزوم تقسیم گوشت قربانی به سه قسمت استفاده می‌شود. ۱- یک سوم برای خویش ۲- یک سوم برای فقراء ۳- یک سوم هدیه برای مؤمنین. و این نظر مشهور فقهاست و برخی قانع و معتر را دو نوع فقیر سائل و غیر سائل دانسته‌اند در مورد وجوب خوردن حاجی از گوشت قربانی برخی احتمال داده‌اند که منظور رفع محظور باشد، یعنی می‌توانید بخورید، مانعی ندارد. «۱» از نظر آیات عظام خویی، گلپایگانی، اراکی و ... تقسیم قربانی به سه قسمت احتیاط وجوبی است. «۲» از نظر آیة‌الله العظمی مکارم: تقسیم قربانی به سه قسمت مستحب است ولی دادن بخشی از آن به فقرا واجب است. مناسک، ص ۱۴۶

د. وضعیت جدید قربانی در عصر ما

در سالهای اخیر وضع حج و قربانگاه و مقررات عربستان به کلی دگرگون شده و موضوع قربانی به صورت مسئله‌ای مستحدثه در آمده است. از سویی کثرت تعداد حاجیان و از سویی کاهش فقرا در عربستان و از سویی ممنوعیت استفاده از گوشتهای قربانی و جلوگیری از طبخ آن به علت آتش‌سوزیهای مهیب در چادرها باعث شده که هر سال میلیونها رأس گوسفند و گاو و شتر در قربانگاهها، همچون دوران جاهلیّت در زیر خاک دفن و یا سوزانده شود، و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۴ هدفهای اصلی قربانی تعطیل گردد، در حالی که میلیونها مسلمان فقیر در کشورهای اسلامی چشم به راه لقمه‌ای گوشت هستند. آمار رسمی عربستان ما را با ارقام و اعداد تکان‌دهنده‌ای روبرو می‌کند. این آمار نشان می‌دهد که هر حاجی غیر سعودی یک و نیم گوسفند قربانی می‌کند و هر چهار حاجی سعودی یک قربانی؛ زیرا حجّاج گذشته از قربانی عید بسیاری به علّت ارتکاب پاره‌ای از محرّمات احرام مشمول کفّارات می‌شوند، و بعضی قربانی نذر دارند و بعضی به حدّاقل اکتفا نکرده برای عمل به استحباب چند عدد قربانی می‌کنند. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۵ که تعداد حاجیان غیر سعودی کمتر از یک میلیون یعنی ۸۹۴ /۵۷۳ نفر بودند، رقم قربانی به

یک و نیم میلیون رسید. «۱» بنابراین در این سالها که شمار حاجیان به بیش از دو میلیون می‌رسد، رقم قربانی در حدود سه میلیون رأس می‌باشد، با همه تلاشهایی که توسط بانک توسعه اسلامی به عمل آمده این بانک توانسته بطور متوسط نیم میلیون آن را بسته‌بندی و آماده ارسال به مناطق محروم سازد اما باز هم بیشتر از دو و نیم میلیون آن نابود می‌شود. ۲- ادامه و توسعه کار بانک توسعه اسلامی چه از جهت خریداری ماشینها و سردخانه‌های بسیار، و چه از جهت تأمین پرسنل و نگاهداری آن در طول یکسال مستلزم پرداخت هزینه سنگینی است که معلوم نیست دولت عربستان پرداخت آن را تحمل کند و یا به کمکهای خود ادامه دهد. ۳- اجرای این طرح در این سالها که ایام حج در فصل بهار و زمستان است تا حدودی امکان‌پذیر است امّا در سالهایی که مصادف با گرمای شدید تابستان است و لاشه حیوان در ظرف چند دقیقه فاسد می گردد کار این مؤسسه را بسیار محدودتر خواهد ساخت. در چنین موقع با چه مقدار کارگر و وسیله و در چه شعاعی از پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۵ عملیات می‌توان سه میلیون لاشه را جمع‌آوری کرده و به سردخانه برد و تحویل داد؟ ۴- بر فرض که همه این اشکالها برطرف شود، چه کسی تضمین می کند که همه گوشتها و پوستها به فقرا تحویل شود و در بازارها به فروش نرسد و بهای آن به جیب ثروتمندان ریخته نگردد همچنانکه گفته می‌شود بسیاری از گوشتهای خوب را که در کشتارگاههای معمولی به نام فقراء می‌برند، به رستورانهای مکه می‌فروشند. به قول دکتر سید جعفر شهیدی، حل مشکل قربانی در صلاحیت دولت عربستان و جمعیت رابطه و وزارت حج و اوقاف نیست. اظهار نظر درباره آن در صلاحیت فقهای مذاهب مختلف اسلام است. آنها می‌توانند با استفاده از ظاهر قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اقوال ائمه علیه السلام و رعایت احکام ثانوی در این باره تصمیم بگیرند. «۱» ۵- سازمان بانک توسعه اسلامی ظرفیت کشتارگاههای جدید معیصم (شامل واحدهای: ب، د، ه، و) را ۰۰۰ /۴۰۰ رأس (هر واحد ۰۰۰ /۱۰۰ رأس) اعلام داشته که با ظرفیت کشتارگاه اتوماتیک آن ۰۰۰ /۸۰۰ تا ۰۰۰ /۹۰۰ رأس می‌رسد که سال گذشته به علّت نقص فنّی تنها توانست ۰۰۰ /۶۳۷ رأس قربانی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. «۲» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۶ سازمان تبلیغی جوانان اسلامی عربستان (الندوة العالمیة للشباب الاسلامی) برای قربانی کوپنهای ۲۵۰ ریالی تهیه کرده که در ایام حج پول قربانی را (با صد ریال کمتر) دریافت می‌دارد و پولهای جمع‌آوری شده را به دفاتر خود در کشورهای محروم حواله می کند و مبلغین سعودی با این پولها بهترین قربانی را در مناطق فقیرنشین خریداری و پس از ذبح در آن کشورها، گوشتهای گرم و تازه را همراه با کتابهای تبلیغی میان فقراء توزیع می کنند «۱»

ه. نظر و راه حل فقهاء:

اشاره

از مجموع آیات استفاده کردیم که هدف از قربانی سوزاندن برای رساندن بوی آن به خدا و یا دفن کردن آن برای رسیدن آن به خدای زمینی و یا نوشاندن خون آن به خدا نبوده بلکه قرآن این خرافات جاهلی را نفی کرده است. هدف اصلی از قربانی که قرآن به روی آن تکیه کرده اطعام مساکین، وَ اطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِیرَ، و سیراب شدن قلب زائر از محبت و پرستش خداست. و در روایات نیز این هدف اساسی به عنوان علت و حکمت تشریع قربانی ذکر شده به عنوان نمونه امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که: «انَّما جَعَلَ اللَّهُ الْأَضْحی لِیَشْبَعَ مِنْهُ مَساکِیْنَکُمْ مِنَ اللَّحْم فَاطْعِمُوهم «۱»؛ جز این نیست که خداوند قربانی را برای آن قرار داد تا مساکین شما از گوشت سیر شوند پس اطعامشان کنیدو گوشت را به ایشان بخورانید». و تنها اراقه دم و ریختن خون که بعضی از علمای اهل سنت به آن قائلند نمی‌تواند هدف قربانی و تقرب به خدا باشد و اگر در ظاهر برخی روایات

کلمه اراقه دم به کار رفته منظور ریختن خون برای مصرف کردن و اطعام فقراء است نه دور ریختن و آتش زدن. راه حلهای ارائه شده از این قرار است:

۱- فروش یا هبه سهم فقراء

از آنجا که بعضی از مراجع عظام تقسیم قربانی به سه قسمت را احتیاط واجب می‌دانند، بخصوص در مورد سهم فقراء و در شرایط کنونی بیشتر قربانیها دفن یا سوزانده می‌شود و به فقرا نمی‌رسد، حاجی را ضامن سهم فقرا دانسته و قربانی را نسبت به آن سهم مجزی نمی‌دانند. برای حل این مشکل چنین فرموده‌اند: «نسبت به صدقه و اهداء، انسان می‌تواند از فقراء و مؤمنین وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید». «۲» از نظر امام خمینی رحمه الله و سایر مراجع عظام فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۸ قبض آن باطل است، بنابراین عمل بعضی که به ادعای فقر و وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کند، صحیح نیست «۱». از نظر آیةالله العظمی مکارم در وضع کنونی که گوشتهای قربانی تلف می‌شود، صحت ذبح در مِنی مشکل است خواه وکالت از فقیر بگیرد یا نگیرد. «۲» این راه حل مشکل قربانی را بیشتر کرده و حاجی هم باید قربانی کند و آنرا دور بریزد و هم بابت سهم فقیر پول بپردازد و هم برای قبول و اعراض وکیل بگیرد.

۲- پرداخت پول قربانی به فقراء

بعضی در مجمع فقهی جدّه پیشنهاد دادند اکنون که استفاده از بیشتر گوشتهای قربانی برای تناول حجاج و اطعام فقرا ممکن نیست، حجاج در روز عید قربان پول آن را به قصد قربت جدا کنند و به موقع آن را به جای گوشت به فقرا تقدیم دارند. چنان که در مورد فطریه فقها اجازه می‌دهند که به جای غلّات اربع، پول آن را به فقراء تقدیم کنند و یا در مورد کفّارات چنان که گذشت. در سال ۱۹۴۹ م. حجاج مصری از شیخ الازهر روز، شیخ محمود شلتوت، استفتاء کردند و از او اجازه خواستند که پول قربانی را به نیازمندان بدهند، ولی شیخ الازهر تنها در قربانیهای مستحب به آنان اجازه داد. «۳» فرید وجدی صاحب دائرةالمعارف قرن بیستم می‌نویسد: «وقتی که دین تصریح می‌کند که حکمت قربانی واداشتن ثروتمندان به بذل و بخشش و مقصود از آن اطعام فقراست، (و ذبح حیوان در منی) و مانند سایر امم رکنی از ارکان دین نیست، از نظر ما باید پول قربانی را به جای قربانی میان فقرا تقسیم کرد». «۴» در موسوعه فقهیه کویت آمده است: جمهور فقهای اهل سنت از جمله شافعیان و حنبلیان و به قول ارجح نزد مالك و روایتی از ابو یوسف بر آنند که قربانی سنت مؤکد است، نه واجب. و این نظر جمعی از اصحاب مانند بلال، ابن مسعود و سید بن مسیب و عطاء و علقمه و اسود و اسحاق و ابی‌ثور و ابن منذر است. از جمله دلائل آنان این است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۹ «وَ اذا دَخَلَ الْعَشْرَ وَ ارادَ احَدُکُم انْ یُضْحَی چون دهم ذیحجه فرا رسید و کسی از شما اراده کرد قربانی کند». اگر قربانی واجب بود پیغمبر صلی الله علیه و آله نمی‌فرمودند: «وَ ارادَ احَدُکُم؛ کسی از شما خواست». تنها ابوحنیفه و بنا به قولی مالك و اوزاعی قربانی کردن را واجب دانسته‌اند. «۱» گرچه همه فقهای مذاهب اهل سنت تصریح کرده‌اند که قربانی کردن بهتر از صدقه دادن با پول آن است امّا بلال صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گفت: «از نظر من اگر پول آن را در راه یتیمی نیازمند صرف کنم، بهتر است تا اینکه قربانی کنم» بعضی دیگر از صحابه چون شعبی و ابوثور، نیز چنین نظر داده‌اند. «۲» ولی همانطور که در حکمت قربانی از نظر قرآن توضیح داده شد چه بسیار اثراتی که در خوردن و

خورانـدن گوشت قربـانی وجود دارد که در پرداخت پول آن نیست. از نظر آیـﺔالله العظمی مکارم: «انفاق پول قربانی به جای قربانی کافی نیست». «۳»

۳- نظریه شیخ محمود شلتوت

بعضـی از فقها تا حدودی زمان و مکان قربانی را توسعه داده، از نظر مکان محل قربانگاه را از منی به محدوده حرم گسترش داده و از نظر زمان ذبح قربانی را از روز عید قربان به ایام تشریق ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و برخی تا آخر ذی‌الحجهٔ توسعه داده‌اند. و در مورد قربانی مستحب پیشنهاد تبدیل آن به نقدی را داده‌اند. مرحوم شیخ محمود شلتوت فقیه و مفسّر و شیخ اسبق الازهر در این باره می‌نویسد: اولًا: اسلام از همه حاجی‌ها قربانی نخواسته و ثانیاً آنجا که ذبح قربانی را واجب کرده، ذبح را در خصوص منی لازم ندانسته است و ثالثاً در مـورد وجوب قربـانی در مِنی آن را فقـط در روز اول لازم نمی‌دانـد بلکه در همه ایـام نحر و همه جـای حرم پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۰ جایز می‌شمارد و در بقیه موارد هم حاجی، میان ذبح و غیر آن مثل صدقه و روزه مخیر می‌باشد و آن زائری که ذبـح قربانی بر او مسـتحب است صدقه نقدی دهد. «۱» متأسـفانه با گذشت چهل سال از این راه حل، مشـکل همچنان باقی است و هر سال میلیونها رأس گوسفند، در معرض فساد و تباهی قرار می گیرد.

۴- نظریه شیخ محمد جواد مغنیه

مرحوم شـیخ محمـد جواد مغنیه بـا عنـایت فراوانی که به شـرایط زمـان و مکان و موضوع‌شناسـی در فقه داشت در این باره به انتشار مقـاله‌ای در مجله رسالهٔالاسـلام پرداخته که فشـرده آن از اینقرار است: آیـا شـارع معصوم از عبث، حجـاج را به ریختن خون حیوان (خوردنی) موظف می‌دارد در صورتی که در روی زمین رهـا و به سـرعت متعفن و فاسـد می گردد؟ آیا حاجی بایـد خون حیوان را بریزد با اینکه یقین دارد که قربانیش در کوره‌ها سوزانده و یا در زیر خاك دفن می‌شود؟ و چون به مصـرف فقرا نمی‌رسد، گذشـته از قربانی، پولی را بابت سـهم فقیر، کنار بگـذارد؟ پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۱ در مجموعه آیـات قرآنی، آیه‌ای که نص صـریح باشـد در اینکه ریختن خون حیوان به طور مطلق ولو در صورت تلف و فساد، مجاز و یا واجب است وجود نـدارد. و در سنّت نبوی هم وارد نشـده که رسول خدا صـلی الله علیه و آله چنین چیزی فرموده و یا انجام داده و یا امضا کرده باشـند. از آنجا که شارع به زبان عرف سـخن می گوید برای شناختن منظور شارع باید به مفهوم عرفی احکام توجه کنیم: مفهوم عرفی جمله «قربانی کن» و گوسـفندی ذبـح کن ذبح برای خوردن است و ریختن خون به طور مطلق از اذهان مردم به دور است و بر اساس همین تفاهم عرفی است که مردم بـا تعجب از رها شـدن قربانی می‌پرسـند آیا شارع ما را مکلف به چنین کاری کرده است؟ مرحوم شـیخ محمد جواد مغنیه نتیجه می گیرد که وقتی مـأموربه و عمـل تقرب، منتفی شـد، و حاجی نتوانست قربانی را در منی و منطقه حرم به مصـرف واقعی خود برساند، تکلیف منتفی می‌شود. به دلیل اینکه اگر وجوب قربانی شامل مواردی که نمی‌توان از گوشت آن اسـتفاده کرد، می‌شـد لازم می‌آمـد که در آن صورت، قربانی مجزی باشـد، در صورتی هیـچ یک از فقها قدیم و جدید قائل به آن نیسـتند. از نظر علامه مغنیه امکان مصـرف قربانی و سایر احکام آن همچون شرط وجوب است. اگر زمینه استفاده از قربانی‌ها فراهم گردد، ذبح در مِنی واجب می‌شود و اگر زمینه آن فراهم نگردد تکلیف منتفی است، مانند استطاعت که اگر تحقق یافت حج واجب می‌شود وگرنه تحصـیل آن برای شخص واجب نیست. «۱» جمع بین ذبـح و روزه بـدل از هـدی از نظر آیهٔاللّه العظمی سیسـتانی در صورت عذر از ذبح در مِنی به جهت منع حکومت نه بعلت کمبود جا در منی احتیاط جمع بین ذبح قربانی در وادی محسّـِر (معیصم) و روزه بدل از

هدی است. «۲»

۵- استفتاء از امام خمینی

شخصـی قربانی نمی‌کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسـفند تلف می‌شود و از آنها اسـتفاده‌ای نمی‌شود و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام می‌دهد، وظیفه او چیست؟ پاسخ امام خمینی (ره) به این اسـتفتاء چنین است: بسـمه تعالی اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صـحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه اوست. «۱» این فتوی نشانگر آن است که قربانی کردن از ارکان حج نیست. و الا مانند طواف و وقوفین با ترک آن حج باطل می‌شد.

۶- نظریه آیهٔالله شهید دکتر بهشتی

به طور مسلم، آن قربانی را که می‌دانید بعد از یک، دو روز دفن می‌شود، آن را به عنوان قربانی ندانید. من نظرم را در این مسئله در پاسـخ سـئوال جمعی به طور قطع و جزم اعلام داشـته و می گویم: «این قربـانی قبول نیست زیرا تبـذیری است، که با آیات و روایات وارده در مورد قربانی اصلًا سازگاری ندارد». «۲»

۷- فتوای آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی

از نظر آیهٔالله العظمی مکارم شـیرازی از آیات سوره حج بخوبی استفاده می‌شود که هدف از قربانی کردن علاوه بر جنبه‌های معنوی و روحانی و تقرب به درگاه خداونـد این است که گوشت آن به مصـرفهای لازم برسـد، هم قربانی کننـده از آن اسـتفاده کند و هم قسـمتی را به فقیران نیازمند برساند. از سویی دیگر تحریم اسـراف در اسـلام، چیزی نیست که بر کسـی پوشـیده باشد، پرشکوه‌ترین مراسم عبـادت و قربانی، ص: ۱۱۳ چراکه قرآن و روایـات و دلیـل عقـل آن را اثبـات کرده است. آیـهٔالله العظمی مکارم چنین نتیجه می گیرنـد که مسـلمانان مجاز نیسـتند گوشـتهای قربانی را در سـرزمین منی بر روی زمین بیندازند تا گندیده شود و یا در زیر خاکها مـدفون کننـد، و وجوب قربانی برای حجاج دلیل بر چنین عملی نمی‌توانـد باشـد، بلکه اگر نیازمندانی در آن روز و در آن سـرزمین پیدا نشوند باید آن را به مناطق دیگر حمل کنند و به مصـرف برسانند و این مقتضای جمع میان ادله است. ایشان می‌افزایند، متأسفانه در عصـر ما بسیاری از مسلمانان به حکم اول عمل کرده و حکم دوم را به دست فراموشی سپرده‌اند، و هر سال، هزاران هزار قربانی که گوشـتهای آنها می‌توانـد تغـذیه گروه عظیمی از محرومان را تا مـدتی طولانی برطرف گرداند. در آن سـرزمین مقدس به وضـع بسیار زننده و نامطلوبی نابود می‌شود. و در حال حاضر صحنه قربانگاه در روز عید قربان به قدری زننده و غیر منطقی به نظر می‌رسد که افراد ضعیف الایمان را به تردید در اصل این برنامه می‌اندازد و به دشمنان دستاویز محکمی می‌دهد.

در مورد صور چهارگانه قربانی

اگر در روایات اسلامی می‌خوانیم که بیرون بردن گوشت قربانی از سرزمین منی یا از حرم مکه ممنوع است، این مربوط به زمانهایی بوده که مصـرف کننـده در آنجا به قدر کافی وجود داشـته است لذا در روایت صـحیح که در منابع معتبر از امام صادق علیه السـلام نقـل شـده چنین می‌خوانیم: یکی از یـاران امـام علیه السـلام از همین موضوع سـئوال کرد. امام فرمود: «کُنّا نَقُولُ لا یَخْرَجْ مِنْها بِشَیءٍ

لَحاجَهِٔ النَّاسِ الَیْهِ، فَامَّا الْیَوْم فَقَد کَثُرَ النَّاس فَلَا بَأسَ بِاخْراجِهِ «۱»؛ ما سابقاً دستور می‌دادیم که چیزی از آن را از سرزمین منی بیرون نبرنـد چراکه مردم به آن نیـاز داشـتند امّـا امروز چون مردم (و قربانیـان آن‌هـا) فزونی یافته‌انـد، بیرون بردن آنهـا بی‌مانع است».» این روایت و مانند آن به خوبی ثابت می‌کند که هدف از قربانی برطرف کردن نیازمندی مردم فقیر است و تعیین مکان منی تابع شـرایط زمان است تا وقتی که در آن منطقه قابل مصـرف است، واجب است که در آنجا به مصـرف تعیین شـده رسانـد، امّا وقتی که امکان مصـرف قربانی در آن منطقه نیست. نبایـد آن را برای سوزاندن و خاک کردن رها ساخت. در روایت دیگر امام صادق علیه السـلام فرمودنـد. رسول خـدا از خوردن گوشت قربـانی و ذخیره کردن آن پس از سه روز نهی کردنـد چون مردم آن روزگـار نیاز داشـتند ولی بعـد اجازه دادنـد. نَهَیَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله عَنْ ادِّخارِ لُحُومِ الْأضاحِی فَوْقَ ثَلَاثَهِٔ ایَّام مِنْ اهْل حاجَهِٔ النَّاسِ یَومَئِذٍ فَامَّا الْیَوْمَ فَلا بَأسَ بِهِ. «۳» همچنین در زمانی که گوشت کم بود و مردم نیازمنـد در آن سـرزمین زیاد بودند، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بنـا به روایت امـام صـادق علیه السـلام از بردن گوشـتهای قربانی به خارج نهی می‌کردنـد و آنگاه فرمودنـد: «فَامَّا الْیَوْمَ فَقَـدْ کَثُرَ اللَّحْم وَ قَلَّ النَّاس، فَلاـ بَأسِ بِاخْراجِهِ «۴»؛ امّـا امروز که گوشت فراوان شـده و مردم کمترنـد، مـانعی نـدارد که گوشـتها بیرون برده شونـد». پرشـکوه‌ترین مراسم عبـادت و قربانی، ص: ۱۱۵ بنـابراین لزوم پیروی از مجتهـد حیّ برای آن اسـت که مجتهـد بـا تـوجه به شرایـط زمـان و مکـان، احکـام را آن چنـان با موضوعات تغییر یافته انطباق دهـد که هـدف شارع و روح قانون عملی گردد. آیـهٔالله العظمی مکارم شـیرازی محور اصـلی را در مسئله قربانی این چنین مطرح می‌کنند: مسئله قربانی در زمان ما دارای چهار حالت است: ۱- در صورتی که امکان ذبح در منی (یا کشـتارگاههای کنونی در صورت عدم امکان ذبح در منی) وجود دارد و بتوان گوشـتهای قربانی را در مصارف صـحیح آن رسانـد و موجب اتلاف و دفن و سوزانـدن آنها نشود، بدون اشکال بر هر چیز مقدم است. ۲- در صورتی که مستحق در مِنی نباشد ولی بتوان گوشتها را به خارج از منی یا خارج از عربستان انتقال داد چه با خشک کردن یا وسائل روز، واجب است که قربـانی را در منی ذبـح و سپس برای مصـرف مسـتحقین به خـارج منتقـل سـاخت. ۳- در صـورتی که انتقـال گوشـتها به خـارج از منی یـا خارج حجاز امکان نـدارد امّا اگر آنها را در جایی دیگر، داخل مکه یا داخل حرم ذبـح کننـد، می‌توان گوشتها را به مصرف‌صحیحش رساند بنابراحتیاط‌لازم بایددرآن‌مکان‌ذبح کرد. ۴- در صورتی که حالات سه‌گانه فوق ممکن نباشد و جز رها ساختن برای دفن یا سوزانـدن چاره‌ای نبود، می‌توان گفت که تکلیف ذبح ساقط می‌شود (زیرا که تنها ریختن خون هدف نبوده بلکه از نظر قرآن و سنت مشروط به صـرف آن در مصـارفش می‌باشـد و چون تحصـیل شـرط امکـان نـدارد. مشـروط ساقط می‌گردد). ولی احتیـاط واجب آن است که پول آن را کنـار گـذاشت و به سایر مناسک حـج پرداخت و آنگاه در وطن یا در محلی دیگر بعـد از مراجعت در ماه ذیحجه با آن پول قربانی کنـد (و به مصارف صـحیحش برسانـد) و بهتر است که در صورت امکان، با خانواده خود یا با دوستان هماهنگ کند که در همان روز عید قربان، از طرف او در وطنش قربانی کنند، تا گوشتش را به مصارفش برساننـدو بعد از آن عمل تقصیر را انجام دهد (ولی این کار واجب نیست زیرا که موجب عسـر و حرج بر بسیاری از حجاج خواهد بود). آیهٔالله العظمی مکارم: حکم الاضحیهٔ فی عصرنا، ص ۸- ۱۰.

دلائل فتوای آیهٔالله العظمی مکارم

۱- ریختن خون هدف قربانی نیست

اشاره

بعضـی از فقهای اهل سنت حنفی «۱» و برخی از علمای شیعه با اسـتناد به روایاتی، می‌گویند رها کردن میلیونها قربانی در منی برای خاک کردن یا سوزانـدن مانعی نـدارد چون تقرب به خـدا با اراقه دم (ریختن خون) حاصل می‌شود. تمسک اینان به روایاتی از این

قبیل است: «انَّهُ لَیَغْفِر لِصاحِبِ الْاُضْحِیَةِ عِنْدَ اوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُر مِنْ دَمِها «۲»؛ به هنگـامی که اولین قطره خون قربانی فرو می‌ریزد صاحب قربانی آمرزیـده می‌شود». آیـهٔالله العظمی مکارم در این باره می‌فرمایند: «آنچه از ظاهر آیات قرآن در حکم قربانی استفاده می‌شود این است که هـدف از قربـانی در شـریعت اسـلامی مصـرف کردن گوشـتهای آن برای فقراء و مسـاکین است نه تنهـا ریختن خـون، خداونـد متعال می‌فرمایـد: وَ الْبُـدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَـعائِرِ اللَّهِ لَکُمْ فِیْها خَیْرٌ؛ فَاذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَیْها صَوافَّ فَاذا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَکُلوا مِنْها وَ اطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ. «۳» و شترهای فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است، نام خدا را (هنگـام قربانی کردن آنها) در حالی که به صف ایسـتاده‌اند ببریـد، هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادنـد) از گوشـت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید. از این آیه خصوصاً به قرینه فاء، (فَکُلُوا ...) اسـتفاده می‌شود که شارع قربانی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۷ را در راه اطعام و لزوم تناول قربانی کننـده و فقراء سائل و غیر سائل (القـانع و المعـتر) از گوشـتهای قربـانی قرار داده، و بـدیهی است که این آیه نـاظر به مـواردی نیست که قربـانی کننـدگان و فقراء از خوردن قربـانی ممنوع بوده قربانی‌هـا در معرض تلف شـدن و دفن و سوزانـدن می‌باشـند. حکم الاضـحیهٔ فی عصـرنا، ص ۱۱ و ۱۲. اینکه در بعضـی از روایـات آمـده که بـا ریختن اولین قطره خون قربانی قربانی کننـده آمرزیـده می‌شود، کنایه از ذبـح برای تناول و اطعام فقرا و مساکین است. این روایات نظیر روایت فضیلت جهاد است که می‌فرماید: یَغْفِرُ اللَّهُ الُمجاهِد بِاوَّلِ خَطْوَةٍ یَصِفُها فِی طَرِیْقِ الْجَهـاد فِی سِبِیْلِ اللَّهِ (خداونـد جهـادگر را با اولین گام در راه جهاد فی سبیل الله می‌آمرزد). «۱» آیـا می‌توان گفت که همان اولین گام کافی است هرچند که گامهای بعدی را در راه فساد و تباهی بردارد؟ فتوی یا احتیاط واجب و یا مستحب به تقسیم قربانی به سه بخش: یـک سوم برای خود، یـک سوم برای فقرا و یک سوم هـدیه به مؤمنین. و ضامن دانسـتن حاجی نسبت به سـهم فقراء در این شرائـط که قربـانی تلف می‌شود و گرفتن وکالت از فقراء و مؤمنین، برای پرداخت مبلغی پول. توصـیه فقها بر اساس قرآن که قربانی صحیح و سالم و فربه باشد، نشانگر آن است که هدف از قربانی و ریختن خون، مصـرف صـحیح آن است. و نیز در جایی که شکار و کشـتن صید و آزردن حشرات و حتی جا به جا کردن حشره بدن حرام است و کفاره دارد چگونه ریختن خون میلیونها گوسفند و گاو و شتر، برای انهدام جایز است؟ از قدیم در روایات و اصطلاحات فقها روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ را از آن جهت «تشریق» می‌گفتند که فقراء گوشـتها را برای مصـرف، در برابر آفتـاب خشک و نگهـداری می‌کردنـد، در این روزها روزه گرفتن حرام است، هم‌چنین وجوب پرشـکوه‌ترین مراسم عبـادت و قربـانی، ص: ۱۱۸ نشانه‌گـذاری روی حیـوانی که به قربانگـاه می‌فرسـتند، همه و همه به طـور وضوح و آشکار بهترین دلیل بر این است که هدف از قربانی مصرف صحیح گوشت قربانی آست نه آتش زدن و دفن کردن آن.

آیا قربانی مانند طواف و سعی است؟

آیـا در لسـان روایـات موردی را می‌یابیـد که شـارع دسـتور داده باشـد که قربـانی را خارج از منی انجام دهنـد. آیا قربانی کردن در خارج از منی همچون طواف کردن یا سـعی کردن در غیر مکه نیست؟ آیهٔالله العظمی مکارم به این قیاس چنین پاسخ می‌دهند: آری موارد متعدد در روایات قربانی یافت می‌شود که قربانی خارج از منی واجب می‌شود بنابراین قربانی از قبیل طواف و سعی نیست که قـائم به مکان خاص باشـد. به عنوان نمونه: ۱- مصـدود- کسـی که بـا خود قربـانی آورده و او را از ورود به منطقه حرم یـا مکه باز داشـته‌اند- روایـات و فتـاوای مشـهور فقهای عظام اتفاق دارنـد که واجب است در همان محلی که او را بازداشـته‌اند ذبـح کنـد و از احرام بیرون آید. «۱» بنابراین اگر قربانی در غیر منی مانند طواف در غیر مکه بود قربانی ساقط می‌شد، و قربانی کردن خارج از منی جائز نبود. «۲» ۲- شخصی که قربانی با خود همراه می‌برد اگر در راه خدا از حرکت باز ماند و شخص کسی را نیابد که قربانی را به وی صـدقه دهـد، بایـد آن را نحر یا ذبـح کنـد و یادداشتی به روی آن بگـذارد که این قربانی است، تا هر کس که بر آن می‌گـذرد بدانـد که این صدقه است اگر بخواهد از گوشت آن بخورد. «۳» این روایـات به خوبی دلالت دارد بر اینکه: ۱- در موارد ضرورت،

جایز است که قربانی را در خارج از منی (و منطقه حرم) ذبح کنند. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۹ ۲- لازم است که حاجی سعی کند که گوشت قربانی را به مستحقین آن برساند و در صورتی که مستحقی را نیابد باید علامتی را به روی آن نصب کند که این قربانی است و مؤمنین و مستحقین می‌توانند از آن تناول کنند. البته در شرائط کنونی برای بیشتر گوشتهای قربانی مستحقی نیست به طوری که آنها را دفن یا می‌سوزانند و نصب علامت قربانی یا یادداشت به روی آن بیهوده است. «۱»

آیا ذبح در خارج از منی بدعت است؟

بعضی از افراد توجهی به تغییر شرائط زمانی و مکانی و موضوع حکم ندارند و آن‌چنان به احکام خو گرفته‌اند که تغییر حکم بعلت تغییر موضوع برایشان بدعت به نظر می‌رسد و می‌پرسند که آیا ذبح در وطن یا جای دیگر خارج از مِنی بدعت نیست؟ آیهْالله العظمی مکارم از این توهم چنین پاسخ می‌دهند: ۱- همانطور که گفته شد مواردی وجود دارد که شارع خود به قربانی کردن خارج از منی فرمان داده است. ۲- قربانیهایی که در زمان ما در کنار منی دفن یا سوزانده می‌شود خارج از اهداف شرع است که در قرآن کریم با فاء تفریغ آمده: فَاذا وَجَبَتْ جُنُوبَها .... (وقتی حیوان جان داد از آن بخورید و فقرا را اطعام کنید) و در روایت ائمه علیه السلام آمده که خداوند قربانی را مقرر داشت لِتَشْبَعَ مَساکِیْنَکُم (تا مساکین شما سیر شوند). ۳- از کجا که چنین ذبحی که در زمان ما در کشتارگاههای مُزْدَلِفه انجام می‌شود و آن را می‌سوزانند و خاک می‌کنند و فقراء را محروم می‌دارند، بدعت پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۰ نباشد، چون در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هرگز چنین قربانی کردن نظیر و مانند نداشته است. ۴- حکم به قربانی کردن در وطن یا جای دیگر فقط به خاطر احتیاط است و الا مقتضای صناعت فقه، احتمال سقوط قربانی به طور کلی است، و حکم مبنی بر احتیاط، بدعت نیست. حکم الاضیحهْ فی عصرنا، ص ۲۲.

۲- اطلاق دلائل قربانی مصادیق کنونی را شامل نمی‌شود.

دومین دلیل آیهْالله العظمی مکارم این است که: مسئله قربانی با وضعیت کنونی بدون تردید از مسائل جدید و مستحدثه‌ای است که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام سابقه نداشته، زیرا در آن روزگاران تعداد حجاج بسیار کم و مستحقین بسیار زیاد بودند به طوری که همه گوشتها در ایام حج مصرف می‌شد. و شاید شروع وضع کنونی از قرن اخیر باشد و افراد کهنسال ما به یاد دارند که گوشتهای قربانی به سرعت در منی و خارج منی مصرف می‌شد، و به همین جهت این مسأله در کتب فقهای سابق به علت عدم ابتلاء طرح نشده است. آنچه از آیات قربانی استفاده می‌شود، موضوع قربانی مقید به صرف گوشتها در مصارفش بوده و دخالت «مصرف» مانند مقومی برای این واجب شرعی است. و از روایات نیز استفاده می‌شود که تمامی گوشتهای قربانی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله مصرف می‌شد به طوری که حضرت از ذخیره کردن بیش از مصرف سه روز به علت کثرت مستحقین در آن زمان نهی می‌فرمودند: به عنوان نمونه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که گفتند: «کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله نَهَیَ انْ تَحْبِسَ لُحُومَ الْأَضاحِی فَوْقَ ثَلاثَهَْ ایَّام مِنْ اجْلِ الْحاجَهِْ فَامَّا الْیَوْم فَلا بَأسَ بِهِ؛ «۱» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۱ پیامبر صلی الله علیه و آله از نگاهداری گوشتها بیشتر از مصرف سه روز به جهت نیاز (محتاجین) نهی می‌کردند اما امروز ذخیره کردن آن مانعی ندارد». و در حدیث دیگر پیامبر از نگاهداری گوشتهای قربانی بیش از مصرف سه روز نهی کردند. و ابو الصلاح و حنان بن سدیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: «نَهَیَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ لُحُوم الْأَضاحِی بَعْدَ ثَلاثَ، ثُمّ اذَّنَ فِیْها وَ قال: کُلُو مِنْ لُحُوم الْأَضاحِی بَعْدَ ذلِکَ وَ ادَّخِرُوا؛ «۱» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گوشتهای قربانی بعد از سه روز نهی کردند، سپس اجازه دادند و فرمودند از این به بعد از گوشتهای قربانی بخورید و ذخیره کنید». از مجموع این روایات و دیگر روایات بر می‌آید که تمامی گوشتهای قربانی در آن ایام مصرف می‌شده یا دست کم آنها را به صورت

قطعه‌قطعه در می‌آوردند تا برای روزهای دیگر ذخیره کنند. همین ذخیره سازی در ابتدا به علت کثرت نیازمندان ممنوع بود و سپس (با کاهش یافتن نیازمندان و کثرت قربانی) اجازه داده شد. و از همین روایات استفاده می‌شود که بیرون بردن گوشتهای قربانی از منی بعلت کثرت افراد نیازمند به آنها ممنوع بود، و با افزایش گوشتها و کم شدن مستحق انتقال آن به خاج از منی و بهره برداری از آن اجازه داده شد. در حدیث محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از بیرون بردن گوشتهای قربانی از منی سؤال می‌کند و امام در پاسخ می‌فرمایند: «کُنَّا نَقُولُ لا یَخْرُجْ مِنْها بِشَیءٍ لِحاجَةِ النَّاسِ الَیْهِ، فَامَّا الْیَوْم فَقَد کَثر النَّاس فَلْا بَأسَ بِإخْراجِهِ؛ «۲» ما قبلًا می‌گفتیم چیزی از آن را بیرون نبرند به خاطر احتیاج مردم به آن امّا امروز که تعداد حجاج زیاد شده‌اند بیرون بردن آن مانعی ندارد». آنچه مجموع این روایات بر آن دلالت دارد این است که گوشتهای قربانی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۲ در عصر ائمه معصومین علیهم السلام نیز یا در همان روزهای اولیه حج در منی یا در روزهای دیگر در مکه یا خارج از مکه مورد استفاده قرار می‌گرفت، امّا آنچه را که امروزه ما شاهد آن هستیم که گوشتهای قربانی را دفن می‌کنند و یا می‌سوزانند، امری جدید و مستحدثه است که در زمانهای گذشته سابقه نداشته است. و بنابراین بسیار مشکل است که اطلاق روایات قربانی شامل تمامی صور قربانی حتی صورت دفن و سوزاندن آن شود. زیرا که مصداق موجود در عصر ما از قبیل فرد نادر یا فرد معدوم در عصر نزول آیات هدایت و صدور رویات آن است. و اگر فقها برای مصادیق جدید به عمومات و اطلاقات تمسک می‌جویند مانند تمسک به عموم آیه اوفُوا بِالْعُقُود برای صحت عقد بیمه، به جهت الغاء خصوصیت قطعی عرفی در مواردی است که امکان داشته باشد. امّا خصوصیتی در محل بحث یقیناً وجود دارد که نمی‌توان آن را الغاء کرد، زیرا کسی نمی‌تواند ادعای یقین یا اطمینان کند که میان قربانی‌هایی که مصرف می‌شود و قربانی‌هایی که دفن یا سوزانده می‌شود فرقی نیست. و این دلیل دیگری بر مجزی نبودن قربانی‌هایی است که تلف می‌شود. حکم الاضحیة فی عصرنا تقریراً لمحاضرة آیة‌الله العظمی مکارم، ص ۲۳- ۲۷.

۳- انتقال کشتارگاهها به خارج مِنی

اشاره

سومین دلیل حضرت آیة‌الله العظمی مکارم اجماع علماء بر لزوم ذبح کردن در منی است و روایات نیز بر آن صراحت دارد که: «انْ کانَ هَدْیَاً واجِبَاً فَلا یَنْحَرُهُ الَّا بِمِنی «۱»؛ اگر قربانی واجب باشد جز در مِنی نحر نشود». و در بعضی از روایات آمده است که: «لا ذِبْحَ الّا بِمِنی «۲»؛ ذبح جز در مِنی نیست». پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۳ حدود مِنی مِنی به کسر میم، نزدیکترین مشاعر حرم به مکه است. یکی از وجوه تسمیه این سرزمین به منی، بجهت ریخته شدن خون قربانی در آن است. «۱» در روایت صحیح معاویه و ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام: «مرز منی از جمره عقبه تا وادی محسّر است.» «۲» در اخبار مکه ازرقی، نیز حدّ منی از عقبه تا وادی محسّر ذکر شده، به اتفاق فقها و جغرافی‌دانان اسلامی، وادی محسر جزو مِنی نیست بلکه مرز مِنی است. همین‌طور عقبه حدّ منی است نه جزو مِنی چنان‌که اصطخری در کتاب مسالک و ممالک می‌نویسد بطن محسر وادی باشد میان مِنی و مُزْدَلِفه، نه از مِنی باشد و نه از مُزْدَلِفه. و جمرة العقبة از مِنی نیست. «۳» و از نظر القاسی در شفاء العزام کوههای پیرامون آن حدود مِنی را از نظر عرض ترسیم می‌کند به این صورت که این‌سوی کوه که رو به مِنی دارد جزو مِنی و پشت کوهها خارج از مِنی است و هم‌اکنون از سوی ولت عربستان تابلوهایی نصب شده که حدود مِنی و مزدلفه را مشخص کرده‌اند. و بنابراین قربانگاههای جدید شهرداری که در پشت کوههای مِنی در وادی معیصم واقع شده بطور قطع خارج از منی است و قابل ضمیمه شدن به مِنی نیست.

آیا منی قابل توسعه به معیصم است؟

همـانطور که در نقشه ملاحظه می‌شود، قربانگاه که از منطقه منی خارج و به منطقه مزدلفه انتقال یافته و به وادی محسّر عقب‌نشینی کرده بود اکنون از منی دورتر شـده و به منطقه معیصم رفته و بر فرض که در گذشـته واحدی محسّر قابل ضـمیمه شدن به منی بود، منطقه معیصم بعلت سلسـله کوههای فاصل، قابل ضـمیمه شـدن به منی نیست. پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۵ در هر حـال عمـل به این واجب در عصـر مـا ممکن نیست، زیرا می‌دانیم که همه قربانگاههـا به خـارج از منی انتقـال یـافته است (به تصویر شماره ۲۰ نگاه کنیـد). اکنون اگر بگوئیم: ذبـح کردن در منی مطلقاً شـرط صـحّت است چه در حال اختیار و چه در حال اضـطرار، لازمه آن سـقوط ذبـح از اساس خواهد بود، زیرا که مشـروط با انتفاء شـرط منتفی می‌شود، همچنان که می گوئیم نماز بر کسـی که طهارت (وضو و تیمم) نـدارد واجب نیست زیرا که طهارت بطور مطلق شـرط نماز است. و اگر بگوئیم: ذبـح کردن در منی فقط در حال اختیار شـرط است، لازمه آن سـقوط این شـرط در حال اضـطرار است، و واجب است آن را در محلی دیگر انجام داد بی آنکه فرق باشـد بین وادی مُحَسَّر و غیر آن، زیرا که دلیلی بر لزوم رعایت الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَب (نزدیکترین جای ممکن) نداریم. همچنین دلیلی نداریم که وادی مُحَسَّر (یا وادی مُعَیْصِم) بدل از منی باشد. حکم الاضحیهٔ فی عصرنا، ص ۲۹- ۳۰

تصریح مراجع عظام به عدم لزوم اقربیت به مِنی

بسـیاری از مراجع و آیات عظام به مانند خویی، گلپایگانی، اراکی، شـهید سـید محمد باقر صدر، به این موضوع تصریح کرده‌اند که عین دسـتخط یا نوشـته آنان را در صـفحه بعـد از نظر می گذرانید. آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و اراکی: رعایت اقربیت به منی لازم و واجب نیست. سـئوال- اخیراً توسط بانک توسـعه اسـلامی، وابسـته به کشورهای اسـلامی و همکاری عربستان، مسلخ‌هایی برای ذبح قربانی به صورت کاملًا مکانیزه تأسیس شده است که در وادی معیصم قرار دارد. با توجه به دو نکته ذیل قربانی در آن مسلخ‌ها چه حکمی دارد؟ الف: دیگر مسلخ‌ها هم بنا به نقل، خارج از منی است ولی به منی نزدیکتر است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۶ ب: گوشت حاصل از قربانی در مسلخ جدید با وسائل پیشـرفته بسته‌بندی شده و برای نیازمندان کشورهای اسلامی ارسال می‌شـود، در حـالی کـه لاشه‌هـای قربـانی در دیگر مسـلخ‌ها سوزانـده و از بیـن می‌رود. جـواب آیـهٔالله اراکی: ذبـح در مسـلخ‌های جدیدالتأسـیس بر فرض عدم امکان ذبح در منی در صورتی که شـرایط شـرعی ذبح رعایت شود مانعی ندارد هرچند نسـبت به سایر مسلخ‌ها از منی دورتر باشد و رعایت اقربیت به منی لازم نیست. جواب آیهٔالله گلپایگانی: در فرض مسئله چنانچه سایر شرایط صحّت ذبـح در مذابـح مـذکوره محقـق باشـد رعـایت اقربیت به منی واجب نیست اگرچه اولی و مطـابق احتیـاط است، و الله العـالم. آیـهٔالله العظمی خویی: در هرکجـا عمـل به وظیفه بهتر انجام شود ذبـح نمایـد. سـئوال- در صورتیکه ذبـح در خود منی ممکن نباشـد وادی محسّر و مزدلفه و مکّه چه فرق دارد بـا آنکه ممکن است در مکه سـهم فقیر را به فقیر داد و در منی انجـام این عمـل مشـکل است؟ جواب: اگر تـا آخر ذی‌الحجّه ممکن نباشـد ذبـح در منی، پس به وقتش در هر کجـا که عمل به وظیفه بهتر انجام شود در آنجا ذبح نماید و الله العالم. آیهٔالله شهید سید محمد باقر صدر: در صورتی که ذبح در منی معذور باشد حاجی می‌تواند در مکه و غیر آن ذبح کنـد. الذبـح و النحر فی منی و الخامس من واجبات حج التمتع ۱۲۳- و موضـعه من الناحیـهٔ المکانیهٔ منی، و اذا ضاقت منی بالناس و تعذّر انجاز الواجبات فیها اتسـعت رقعهٔ منی شـرعاً فشـملت وادیّ محسّر، و هی المنطقهٔ التی تفصل منی عن المشعر، و اذا تعذر الذبح فی منی اطلاقاً بسبب منع السلطهٔ و تعیینها بحازر خارج منی جاز للحاج أن یذبح فی مکهٔ أو غیرها.

۲- آیا مکه بدل از مِنی است؟

در روایات متعـدد جواز ذبح در مکه آمده است، مانند روایت ابن عمار که به امام صادق علیه السـلام اظهار می‌دارد: اهل مکه ایراد می گیرنـد که شـما قربانی خود را در منزل خود در مکه ذبح کرده‌اید، حضـرت می‌فرمایند: «انّ مکّهٔ کُلَّها منْحَر؛ تمامی مکه قربانگاه

است «۱»». آیا جمع میان این گونه روایات و روایاتی که محل ذبح را جز در منی نمی‌داند، این نیست که بگوئیم مکه بدل از منی است و در صورت عدم امکان ذبح در منی باید قربانی را در مکه ذبح کرد؟ آیةالله مکارم شیرازی به این سئوال این‌چنین پاسخ می‌دهند: اینگونه روایات مربوط به جواز ذبح در مکه را باید حمل بر قربانی غیر واجب کرد زیرا که صریحاً آمده است: «انْ کانَ هَدْیَاً واجِبَاً فَلا یَنْحَرُهُ الّا بِمِنی وَ انْ کانَ لَیْسَ بِواجِبٍ فَلْیَنْحَرهُ بِمَکَّهِ انْشاءَ «۲»؛ اگر قربانی واجب بود جز در منی ذبح نکند و اگر واجب نبود اگر خواست در مکه ذبح کند». بنابراین نمی‌توان روایت ذبح در مکه را بر صورت عدم توان ذبح در منی حمل کرد زیرا اگر ذبح در زمان امام علیه السلام در منی غیر ممکن بود، جا نداشت که اهل مکه به امام ایراد بگیرند. ثانیاً بر فرض که ذبح در مکه بدل از ذبح در منی باشد، باز مشکل بزرگ قربانی همچنان باقی است، و تنها افراد معدودی ممکن است بتوانند در مکه ذبح کنند و مسئولین بهداشتی عربستان اجازه تأسیس چنین کشتارگاه عظیمی را برای قربانی همه حجاج نداده و نمی‌دهند. حکم الاضحیهٔ فی عصرنا، ص ۳۰ و ۳۱.

۳- آیا کشتار در غیر منی با روح حج سازگار است؟

بعضی از فضلای حوزه علمیه قم با کاوشی در مجموعه دلائل به این نتیجه رسیده‌اند که واجب بودن کشتار در منی ثابت نیست ولی جدا کردن آن از اعمال حج نیز، با روح حج سازگاری ندارد پس جمع بین دلیلها، آیات قرآن و روح اعمال حج واجب بودن کشتار در حرم است. «۱» اولًا جدا کردن پاره‌ای از اعمال حج در مواقع غیر عادی با روح حج سازگار است به دلیل اینکه خداوند خود در قرآن کریم بدل هدی را برای کسانی که پول قربانی ندارند، سه روز روزه در حج و هفت روز روزه در وطن (وَ سَبْعَهً اذا رَجَعْتُم) را مقرر داشته است. و ثانیاً حاجی در همان منی برای قربانی با قصد قربت، پول قربانی را جدا کرده و به هنگام مراجعت در محلی که گوشت قربانی به مصرف واقعی می‌رسد، ذبح می‌کند. بر اساس روایت امام صادق علیه السلام خارج کردن قربانی در آن هنگام که تعداد قربانی کمتر از تعداد فقرای آن مناطق بود جائز نبود و بعد که شرائط عوض شد و تعداد قربانی افزایش یافت پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه دادند که قربانی را از منی به خارج ببرند: فَامَّا الْیَوْمَ فَقَدْ کَثُرَ النَّاسُ فَلا بَأسَ بِاخْراجِهِ. «۲» بر فرض که کشتار در غیر منی یا در غیر حرم با روح حج سازگار نباشد. در حال حاضر که بیشتر قربانیها به مصرف مورد نظر شارع نمی‌رسد و آن را به صورت زباله دفن می‌کنند و یا می‌سوزانند، مسلماً قربانی کردن در چنین جایی با روح حج ناسازگارتر است. بنابراین به حکم عقل در چنین شرایطی باید قربانی را در جایی انجام داد که به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۹ مصرف صحیح آن برسد، حتی اگر از کاوشهای خود به این نتیجه می‌رسیدید که کشتار در منی یا نزدیک به آن واجب است.

۴- آیا کشتار در غیر منی موجب وهن شیعه است؟

همانطور که نقل کردیم از نظر مراجع عظام: اکنون که قربانگاهها را به خارج از منی منتقل کرده‌اند، رعایت اقربیت و نزدیک بودن به منی واجب نیست. «۱» بنابراین فرقی میان وادی مُحَسَّر، مکه و ایران نخواهد بود. برخی اظهار می‌دارند این فتوی و پای بندی و عمل همگانی به آن، سبب وهن شیعه می‌شود و بازتاب بسیار ناشایستی خواهد داشت و شیعه متهم می‌شود که به ضروریات حج اعتقاد ندارد. «۲» از نظر ما درست به عکس در شرایط کنونی که بیشتر گوشتها، به صورت بسیار ناپسندی جزء زباله‌ها به دور ریخته می‌شود مایه وهن اسلام و مسلمین گشته و بازتاب بسیار ناشایستی را در اذهان به وجود آورده است و فتوای ذبح در مکانی که بتوان آن را به مصرف فقرا رساند ایمان مردم را به حیات و پویایی فقه اسلام پایدارتر کرده است. امّا وجوب ذبح در نزدیکترین منطقه به منی نه تنها از ضروریات دین و حج نیست بلکه بنا به فتوای فقهای عظام، لازم نبوده و دلیلی بر آن نیست امّا عمل همگانی به ذبح خارج از منی، کسی نگفته که همگان چنین کنند بلکه گفته‌اند تا جائی که امکان مصرف آن در منی وجود دارد در آنجا و

مـازاد را در جای قابل مصـرف ذبـح کننـد و همانطور که قبلًا گفتیم این کار در خود عربسـتان انجام می‌گیرد و طرح النـدوة العالمیة لشباب الاسلامی پول قربانی را از حجاج دریافت و با آن در کشورهای فقیر قربانی خریداری و ذبح می‌کند.

۵- قربانی سوختنی در امم پیشین

برخی در برابر فاجعه عظیم سوزانـدن میلیونی گوسـفندان قربانی اظهار می‌دارند: چه اشـکالی دارد مگر قربانی سوختنی در میان قوم بنی‌اسـرائیل نیز متـداول نبوده است مگر در قرآن نیامده که: الَّذینَ قَالُوا: انَّ اللَّهَ عَهِدَ الینا الّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتّیَ یَأتیَنا بقُربانٍ تَأکُلُه النّارَ قُل قَدْ جائکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلی بالبَیِّنات و بالّـذی قُلْتُمْ فَلِمَ قتلتُمُوهم انْ کُنْتُمْ صادِقینَ؟ «۱» آنان گفتنـد: خدا با ما عهد کرده است که به پیامبری ایمان نیاوریم مگر قربانی برای ما بیاورد که آتش آنرا بخورد. بگو پیش از من پیامبرانی با نشانه‌هایی آشـکار و آنچه گفتید [قربـانی سوختنی آمدنـد، اگر راست می‌گوئیـد چرا آنان را کشتیـد؟ پاسـخ اینکه یکی از معجزات برخی از پیامبران ماننـد حضـرت الیـاس ایـن بـود کـه برای اثبـات حقّانیّت خـود و نزدیکی خـود به خـدا دو گـاو را می‌آوردنـد یکی را پیـامبر و دیگری را رؤسـای بت‌پرسـتان قطعه‌قطعه می‌کردنـد و بر هیزم می‌گذاردنـد و روی آن آب می‌ریختنـد و دست به دعـا برمی‌داشـتند، ناگهان آتش الهی فرود می‌آمـد و فقـط قربـانی پیامبر را می‌بلعیـد و حقّانیّت آن پیامبر را آشـکار می‌ساخت. «۲» بعضـی از مفسّـرین اخیر مانند نویسنده تفسـیر المنـار احتمـال دیگری درباره مسئله قربانی سوختنی دادهانـد که خلاصه آن این است: منظور آنها این نبوده که حیوانی ذبح شود و آتشـی بطور اعجـازآمیز از آسـمان فرود آیـد و آن را بسوزانـد بلکه منظور این بوده که در دسـتورات مـذهبی آنهـا یک نوع قربانی بنام قربانی سوختنی بوده، حیوانی را سر می‌بریدند و با مراسم مخصوصـی آن را آتش می‌زدند که شرح آن در پرشکوه‌ترین مراسم عبـادت و قربانی، ص: ۱۳۱ فصل اول سـفر لادیان تورات آمـده است. آنها مـدعی بودنـد که خداوند با ما عهد کرده که این دستور قربانی سوختنی در هر آئین آسمانی خواهد بود و چون در آئین اسلام نیست ما به تو ایمان نمی‌آوریم. از نظر آیةاللّه العظمی مکارم شـیرازی وجه اول با آیه مناسبتر است «۱». در هر حـال بنا بر وجه اول قربانی سوختنی یک رأس گاو با صاعقه آسـمانی برای اثبات حقّانیّت پیامبر بوده و این با سوزاندن بی‌دلیل و بی‌سابقه میلیونها گوسفند کاملًا فرق دارد. امّا بنا به فرض دوم که چنین رسمی بصورت محدود در میان بنی‌اسـرائیل بوده دلیل بر جواز آن در اسـلام نمی‌شود بلکه ایمان نیاوردن یهود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بهانه نبودن دستور قربانی سوختنی در شریعت اسلام، خود دلیلی صریح بر عدم جواز سوزاندن قربانی در اسلام است. افزون بر اینکه هرگز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام اقدام به سوزاندن قربانی نکرده‌اند.

۶- حرمت اسراف و تبذیر

اشاره

«وَ آتَ ذَاالْقُرْبَی حَقَّهُ وَ الْمِسْکِیْنَ وَ ابْنَ السَّبِیْلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِیْراً انَّ الْمُبَذِّرِیْنَ کانُوا اخْوانَ الشَّیاطِین وَ کانَ الشَّیْطانُ لِرَبِّهِ کَفُورَاً؛ «۱» حق خویشـان و مسـکین و در راه مانـده را بپرداز و هرگز تبـذیر (ریخت و پاش) مکن چراکه تبذیرکننـدگان برادران شـیطانند و شـیطان کفران کننـده (نعمتهـای) پروردگـارش اسـت». چهـارمین دلیـل آیـةالله العظمی مکـارم حرمـت اسـراف و تبـذیر اسـت در ایـن بـاره می‌فرماینـد: قران کریم به شـدّت از اسـراف نهی کرده و فرموده است: «وَ لا تُسْرِفُوا انَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِیْنَ «۲»؛ اسراف نکنید که خداوند اسـراف کنندگان را دوست ندارد». و در تعبیری شدیدتر می‌فرماید: «وَ انَّ الْمُسْرِفِیْنَ هُمْ اصْحابُ النَّارِ «۳»؛ و جز این نیست که اسـراف کنندگان اصـحاب آتشـند». «انَّ اللَّهَ لا یَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذّاب؛ «۴» و خداوند اسـراف کنندگان دروغگو را هدایت نمی‌کنـد». «وَ أهْلَکْنَا الْمُسْرِفِیْنَ؛» و اسـراف مقـدمه هلاکت و نابودی است». در قرآن یکی از نشانه‌های عِبادُ الرَّحْمان، عـدم اسـراف

حتی در انفاق است: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۳ «وَ الَّذِیْنَ اذا انْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذلِکَ قَواماً؛ «۱» و با لحن شدید از تبذیر و ریخت و پاش نهی کرده و آنرا نوعی کفران نعمت برشمرده و تبذیرکنندگان را برادران شیطان معرفی می‌کند: انَّ الْمُبَذِّرِیْنَ کانُوا اخْوانَ الشَّیاطِینِ. وَ کانَ الشَّیْطانُ لِرَبِّهِ کَفُوراً. «۲»

۱- فرق بین اسراف و تبذیر

از نظر آیهٔالله العظمی مکارم، اسراف به معنای خروج از حد اعتدال و اقتصاد بدون تضییع شئ به حسب ظاهر است مانند پوشیدن لباس گرانقیمتی که معادل چندصد برابر قیمت لباس معمولی است. و تبذیر عبارت است از آنچه منجر به ضایع شدن نعمتهای خدای تعالی می‌شود مثلًا برای ده نفر غذای پنجاه نفر تهیه شود به طوری که مازاد آن فاسد و یا دور ریخته شود. البته گاهی این دو کلمه با هم یکی می‌شوند و در یک معنی به کار می‌روند. حکم الاضحیهٔ فی عصرنا، ص ۴۰ و ۴۱.

۲- دفن و سوزاندن قربانی مصداق بارز اسراف و تبذیر

مسلماً قربانی هایی که امروزه در قربانگاهها دفن و یا سوزانده و یا می‌ماند تا متعفّن می‌شود به طوری که سگها هم آنها را نمی‌خورند، از آشکارترین مصادیق اسراف و تبذیر است که شرعاً حرام است به خصوص با این مقدار و تعداد عظیم میلیونی، آیا شارع حکیم با چنین اسراف و تبذیر عظیمی راضی است؟ آیا دلیلی بر خروج آن از آیات محکمات و روایات وارده در حرمت اسراف و تبذیر که حتی شامل هسته خرما یا باقیمانده آب لیوان می‌شود وجود دارد؟ ممکن است گفته پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۴ شود اسراف و تبذیر چون در راه اطاعت فرمان خداست مانعی ندارد. می‌گوئیم: این مصادره به مطلوب است و فرمان خدا هرگز به چیز ممنوع و حرام تعلق نمی‌گیرد و اطلاقات ادلّه اسراف و تبذیر به قدری محکم و قوی است که شامل تلف کردن کوچکترین چیزی می‌شود چه رسد به ضایع کردن میلیونها رأس از نعمتهای الهی. «۱»

۳- مفهوم «لا اسراف فی الحج»

در پاره‌ای از روایات آمده که «لا اسْرافَ فِی الْحَجِّ» (در حج اسراف نیست). امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که فرمودند: «ما مِنْ نَفَقَهٍٔ احَبُّ الَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَفَقَهٍٔ قَصَد، وَ یُبْغِضُ الإسْرافَ الّا فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِٔ؛ هیچ هزینه‌ای نزد خدا محبوبتر از هزینه مقتصد (میانه) نیست و خداوند نسبت به اسراف خشمگین است مگر در حج و عمره». «۲» آیهٔالله العظمی مکارم در این باره می‌فرمایند: «بدون شک مفهوم اینگونه روایات تضییع مال و رها کردن و سوزاندن و خاک کردن و یا مانند تهیه طعام پنجاه نفر برای ده نفر و دور ریختن بقیه نیست. بلکه منظور از آن گشاده دستی در تهیه زاد و توشه و خرید هدیه و سوغاتی برای خویشان و دوستان است. شاهد آن اوّلًا اینکه گشاده‌دستی را در برابر اعتدال و میانه‌روی مطرح کرده ثانیاً روایاتی که در آداب سفر عموماً وارد شده، راجع به استحباب بذل و بخشش زاد و توشه سفر «۳» و یا روایاتی که در خصوص سفر حج آمده که هدیه حاجی از نفقه حاجی است (هَدِیَّهُٔ الْحَاجِّ مِنْ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۵ نَفَقَهِٔ الْحاج) «۱» و زیاده هزینه کردن در حج دارای پاداش فراوان است: (وَ انَّ اکْثارَ النَّفَقَهَٔ فِیهُ اجْرٌ جَزِیْل) «۲» همه این روایات گواه بر آن است که مقصود از اسراف در حج، از قبیل خرید هدایا و سوغات و سایر هزینه‌هاست نه سوزاندن میلیونها گوسفند و گاو و شتر. افزون بر اینکه محل بحث ما از مصادیق تبذیر است نه اسراف زیرا که فرق میان آن دو- چنان که گفته شد- اسراف عبارت از خروج از حد اعتدال بدون تضییع مال است و تبذیر عبارت است از آنچه منجر به ضایع و فاسد کردن شود.

۴- قربانی توسط بانک توسعه اسلامی

آیا اگر کسی قربانی را توسط بانک توسعه اسلامی به مصرف فقرا رساند و یا به طور آزاد فقیری را پیدا کند و لاشه قربانیش را به وی بدهد، می‌توان گفت که مرتکب عمل حرام اسراف و تبذیر نشده و قربانیش مجزی است؟ از نظر آیهٔاللّه العظمی مکارم در صورتی که همه گوشتهای ذبح شده به مصرف می‌رسد احتیاط واجب آنست که در قربانگاههای جدید ذبح شود و الا بر فرض که تمامی شرائط صحت قربانی در بانک توسعه اسلامی وجود داشته باشد و یا بتوان فقیری را پیدا کرد و قربانی را به او داد باز در شرائط کنونی کمک به اسراف و تبذیر است زیرا به همان اندازه که ما ظرفیت محدود بانک توسعه یا ظرفیت فقرای موجود را پر کنیم، آنها را از برداشتن لاشه‌های بر زمین افتاده باز داشته‌ایم، و به همان اندازه که بار آنها را کاهش دهیم توان آنان را برای بردن لاشه‌های به جا مانده افزوده‌ایم. بنابراین در شرائط کنونی که چند برابر آنچه را بانک توسعه و یا فقرای مکه به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۶ مصرف می‌رسانند، دفن یا سوزانده می‌شود ما نیز باید با قربانی کردن در وطن از این اسراف و تبذیر عظیم بکاهیم. و بگذاریم بانک توسعه و فقرای مکه از همان لاشه‌های بر زمین ریخته استفاده کنند. از این رو آیهٔالله العظمی مکارم می‌فرمایند: «با توجه به اینکه دیگران به مقدار کافی قربانی می‌کنند باید از آن صرف نظر کند و پول آن را کنار بگذارد تا هنگام بازگشت در محل خود قربانی کند و طبق دستور آن عمل نماید». «۱»

۵- پاره‌ای از اشکالات کشتارگاههای صنعتی

اشاره

۱- از نظر مکانی قربانگاههای جدید نه تنها خارج از منی است بلکه در فاصله نسبتاً زیادی از منی یعنی در معیصم است. ۲- به علت کثرت کار، زمان شروع کشتار از ساعت ۵ بامداد است. «۲» و تا پاسی از شب ادامه دارد و بسیاری از قربانیهایی که قبل از رمی جمره و یا بعد از غروب آفتاب انجام می‌شود از نظر فقه شیعه اشکال دارد. ۳- رها شدن قسمتی از فرمان خدا یعنی خوردن قربانی کننده از گوشت قربانی فَکُلُوا مِنْها و هدیه دادن قسمتی از آن به مؤمنان [وَ اطْعِموا الْقانِع وَ الْمُضْطَرِّ] که بنا به نظر بعضی از فقهای گذشته «۳» و برخی از فقهای معاصر واجب یا احتیاط وجوبی است. «۴» ۵- ذبحهای ماشینی که با فشار کلید برق، گردنها را یکباره جدا می‌کند از نظر برخی از فقها همچون امام خمینی دارای اشکال است. ۶- مشخص نشدن نام تک تک افرادی که برای ذبح وکالت داده‌اند از نظر بعضی از فقها همچون آیهٔالله اراکی: سئوال- آیا در مسأله ذبح، کسی که از طرف چند نفر وکالت دارد باید تک تک افراد را جداگانه هنگام ذبح مشخص کند، یا همین که از طرف آنها وکالت دارد و به طور کلّی چند گوسفند را ذبح می‌کند، کافی است؟ جواب آیهٔالله اراکی: ظاهراً باید تک تک افراد را هنگام ذبح مشخص کند.

خلاصه کلام درباره منسک (قربانگاه)

آیهٔالله العظمی مکارم از مجموعه مقدمات چهارگانه مذکور چنین نتیجه می‌گیرند: با احترام به فتاوای فقهای معاصرین کَثَّرَ اللَّهُ امْثالَهُم ما معتقدیم: ۱- مسئله قربانی با مشکل کنونی آن، که بیشتر آن دفن یا سوزانده می‌شود، مسئله مستحدثه‌ای است که در ادوار گذشته سابقه‌ای نداشت تا فقهای گذشته آراء خود را نسبت به آن بیان دارند در آن زمان به گواهی بسیاری از کهنسالان و روایات

نسبت به زمان ائمه علیهم السلام همه گوشتها در ایام حج مصرف می‌شد. بنابراین مسئله قربانی کنونی از مسائل جدید و مستحدثه است و از این‌رو در کلمات فقهای عظام سخن تازه‌ای درباره آن نیست. ۲- آنچه از آیات و روایات برمی‌آید، ریختن خون در منی موضوعیت ندارد بلکه از آیات و روایات برمی‌آید که ریختن خون مقدمه برای مصارف شرعی قربانی است. ۳- اطلاق آیات و روایات مربوط به قربانی شامل قربانی‌های زمان ما نمی‌شود (که همچون زباله خاک یا سوزانده می‌شود) زیرا که اینگونه مصادیق در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. بنابراین اکتفا کردن به این نحو قربانی در ایام حج بسیار مشکل است و باید در چنین شرایطی به طور موقت ملتزم به توقف در مسئله قربانی شویم و یا آنرا در محلی دیگر که بتوان آن را در مصارف شرعیش صرف کرد، عملی سازیم، و عمل به احتیاط موجب التزام به صورت دوم است. ۴- تمام کشتارگاههای کنونی خارج از منی است، و این شایعه که قطعه کوچکی از آن در منی است تحقیقات اخیر خلاف آن را ثابت کرد و بر فرض که چنین بود باز مشکل قربانی را حل نمی‌کرد. (افزون بر این که کشتارگاههای جدید به منطقه پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۸ دورتری از منی یعنی وادی مُحَسَّر برده شده است.) بنابراین شرط وقوع ذبح در منی (که در روایات آمده لا ذِبْحَ الّا بِمِنی تحقق نمی‌یابد و فرقی میان وادی مُحَسَّر که کشتارگاه به آنجا انتقال یافته و سایر اماکن نیست. بله اگر قربانی با شرائطش در مصارف شرعیش صرف می‌شد ترجیح داشت که از باب احتیاط در این کشتارگاهها ذبح شود. ۵- دلائل حرمت اسراف و تبذیر که بسیار قوی و محکم است مانع از اتلاف این تعداد عظیم گوشت قربانی و دفن و سوزاندن آن است. زیرا اسلام که از انداختن دانه‌ای و ریختن باقیمانده آب ظرفی ما را باز می‌دارد چگونه اجازه چنین اتلافی را می‌دهد با اینکه هیچ دلیلی بر تخصیص دلائل اسراف و تبذیر در این باره نداریم.

۶- نتیجه‌گیری کلی

۶- نتیجه می‌گیریم که تا وقتی که گوشتهای قربانی به این صورت وحشتناک تلف می‌شود باید ذبح را رها کرد و قیمت آن را بنا بر احتیاط لازم کنار گذاشت و به سایر مناسک حج پرداخت و در مراجعت در وطن یا محلی دیگر در ماه ذیحجه قربانی کرد و یا با خانواده یا یکی از دوستان هماهنگ کرد که در روز عید قربان از طرف او گوسفندی ذبح کرده و آنگاه بعد از ساعات هماهنگ شده به سایر اعمال بپردازد. نظیر کسی که پول دارد امّا قربانی نمی‌یابد که در روایت تصریح شدن که پول آنرا نزد فرد موثقی گذارد که از طرف وی در ماه ذیحجه در مکه قربانی کند و آنگاه به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۹ سائر مناسک می‌پردازد (پوشیده نیست که در حال حاضر، گذاشتن پول نزد کسی برای ذبح جز برای تعداد کمی ممکن نیست و نمی‌توان به عنوان حکم عمومی درآید). آری اگر در آینده انتقال گوشتها یا غالب آن (نه مقدار کمی از آنها) به خارج از منی یا خارج مکه یا خارج حجاز امکان داشت، چه با خشک کردن گوشتها و یا توسط دستگاههای جدید و آنگاه آنرا به مصرف مستحقین رساند در این حال ذبح در منی یا نزدیک آن بنابر احتیاط وجوبی، واجب می‌شود. عمده دلائلی که بر آنچه ما ذکر کردیم گواهی می‌دهد از این‌قرار است: ۱- عدم دلیل بر صحت قربانیهایی که گوشتهای آن مصرف نمی‌شود. ۲- آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود صرف گوشتهای قربانی در مصارف شرعی آن از مقدمات قربانی است. ۳- تمامی قربانگاههای موجود خارج از منی است. ۴- اسراف و تبذیر حرام است خصوصاً در این حجم عظیم و دلیلی بر جواز چنین تبذیر و اسرافی وجود ندارد. از خدا می‌خواهیم که همه پژوهشگران را خواه موافق و خواه مخالف به آنچه او دوست دارد و راضی است موفق بدارد. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِیْنَ. حکم الاضحیة فی عصرنا، ص ۴۹- ۵۳.

۷- پاسخ به استفتاءاتی درباره قربانی

حضـرت آیةاللّه العظمی مکارم شیرازی به سئوالات و استفتاءاتی که در مورد قربانی از ایشان به عمل آمده چنین پاسخ می‌دهند: ۱- در شـرائط فعلی که همه یا قسـمت مهمی از گوشتهای قربانی از بین می‌رود و آنها را در زیر خاک دفن می کنند وظیفه مقلدین شما در مورد قربانی چیست؟ جواب: در این شـرایط، قربانی کردن در آنجا مجزی نیست، بایـد پول آن را کنار بگذارند و در ماه ذیحجه در محل دیگری که مصـرف می گردد، قربانی کنند، امیدوارم روزی فرا رسد که مسلمانان بتوانند در منی قربانی کنند و به جایی که در آنجا مصرف می‌شود منتقل سازند. ۲- اگر کسـی در شرائط فعلی که قربانیها معمولًا از بین می‌رود، در منی قربانی کند تکلیفش چیست؟ جواب: بایـد به آن قنـاعت نکنـد و قربانی دیگری در محل خود بنمایـد. ۳- اگر شـک دارد که قربـانی تلف می‌شود یا نه، تکلیفش چیست؟ جـواب: بـا توجه به اینکه دیگران به مقـدار کـافی قربـانی می کننـد، بایـد از آن صـرف نظر کنـد و پول آنرا کنـار بگذارد تا هنگام بازگشت در محل خود قربانی کند و طبق دسـتور آن عمل نماید. ۴- مسأله ترتیب اعمال بعد از قربانی چگونه حل می‌شود؟ جواب: کـافی است پول آن را کنـار بگـذارد و بقیه اعمال منی را انجام دهـد و از احرام بیرون آیـد. ۵- مقدار پولی را که کنار می گـذارد به حساب قربانی در محل باشد یا قربانی در مکه؟ جواب: به حساب قربانی در محل ۶- آیا می‌تواند پول را در محل خود به هنگام عزیمت به حـج کنار بگذارد، یا پرشـکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۴۱ اینکه سفارش کند برای او پول کنار بگذارنـد، و یـا در آن روز قربـانی کننـد؟ جواب: هر سه صورت مـانعی نـدارد. ۷- اگر هماهنـگ کنـد کـه در همـان روز در محل خودش به جای او قربانی کننـد آیا معیار او روز عیـد قربان در مکه است یا در محل خودش؟ جواب: معیار عید قربان در مکه است. ۸- هر گاه بر اثر تأخیر در بازگشت از حـج موفق نشود در ماه ذی‌الحجه قربانی کنـد چه بایـد کرد؟ جواب: در ذی‌الحجه سال آینده قربانی کند. ۹- اگر موقع بازگشت قربانی کند می‌تواند با گوشت آن دوسـتان و آشنایان را اطعام نماید؟ جواب: اشکالی ندارد ولی واجب است جمعی از فقرا در آن سـهیم باشـند. ۱۰- کسانی که مقلـد مراجع گذشـته بوده‌اند و اکنون به فتوای حضـرتعالی بر تقلید آنها باقی می‌باشند آیا می‌توانند در خصوص این مسأله از شما تقلید کنند؟ جواب: هرگاه سفر اوّل حج آنها باشد لازم است در تمام مسائل به فتوای ما عمل کنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِـدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِـکُمْ فی سَبیـلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُـونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسـته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شـرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصـفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصوص حضـرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشـد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهنـد. مرکز تحقیقات قائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگـان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مـذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهـداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسـبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جـایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹